

حکم صلاحیتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوه‌های نفتی

(دعوی جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

ایرادات مقدماتی (صلاحیتی)

ترجمه: دکتر محسن محبی

مروری بر حکم صلاحیتی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده سکوهای نفتی ایران



دکتر محسن محبی

مقدمه

دولت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۷۱/۸/۱۱ دعوایی علیه دولت ایالات متحده آمریکا نزد دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه مطرح نمود و در مورد حمله و انهدام سکوهای نفتی ایران در خلیج فارس توسط ناوهای جنگی آمریکا از آن دولت شکایت کرد. آمریکا در اولین عکس‌العمل خود نسبت به این دعوی، ایراد عدم صلاحیت نمود و بدون اینکه مدافعات خود در ماهیت دعوی را به تفصیل ارائه نماید، اجمالاً مسئولیت بین‌المللی خود را انکار نمود و مدعی شد که حمله و انهدام سکوهای نفتی ایران ضمن یک سلسله درگیریهای مسلحانه و در مقام دفاع مشروع در برابر اقدامات ایران در خلیج فارس بوده است. اما ایراد مقدماتی آمریکا به عدم صلاحیت دیوان، موجب شد که مساله صلاحیت از ماهیت تفکیک و به عنوان یک امر مقدماتی ۲ مورد رسیدگی و تصمیم دیوان قرار گیرد. دیوان بین‌المللی دادگستری سرانجام در تاریخ ۲۱/ آذر ۱۳۷۵ حکم خود در مساله صلاحیت را صادر و اعلام کرد و ایراد عدم صلاحیت آمریکا را به نفع ایران رد نمود و در نتیجه پرونده وارد مرحله

ماهوی شده و در حال حاضر تحت تبادل لوايح می‌باشد. در این یادداشت کوتاه، ابتدا واقعیات زمیند دعوی (الف)، سپس مبانی حقوقی ادعای ایران (ب)، آنگاه ایرادات صلاحیتی آمریکا (ج)، و در پایان اهم نکات مورد بحث در حکم صلاحیتی دیوان (د)، را مطالعه می‌کنیم. ضمناً حکم دیوان به دو زبان انگلیسی و فرانسه صادر شده که متن فرانسه آن معتبر و ملاک است و ما ترجمه فارسی کاملی از حکم دیوان بین‌المللی دادگستری بعمل آوردیم که بدنبال این یادداشت خواهد آمد.

الف - واقعیات و زمینه دعوی

۱- شرکت ملی نفت ایران تاسیسات نفتی متعددی در خلیج فارس دارد که در فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی (Exclusive Economic Zone) ایران در خلیج فارس واقع است و از جمله آنها تاسیسات رشادت، رسالت، نصر و سلمان می‌باشد. این تاسیسات دارای سکوهای نفتی گوناگون حفاری، تولید، تسهیلات و غیره است. تاسیسات رشادت و رسالت و سکوهای نفتی آنها چهل حلقه چاه نفت را بهم متصل می‌کرده و برای تولید روزانه قریب ۲۰۰/۰۰۰ بشکه نفت احداث شده که نفت را از چاههای مذکور جمع‌آوری و از طریق تلمبه به جزیره لاوان می‌رسانده و برای صدور به خارج مهیا ساخته است. تاسیسات نفتی نصر و سلمان و سکوهای مستقر در آنها نیز مشتمل بر ۳۸ حلقه چاه برای تولید روزانه حدود ۳۲۰/۰۰۰ بشکه نفت بوده که از طریق جزیره سیری صادر شده است.

۲- در طول جنگ تحمیلی، عراق این سکوها را به عنوان هدف‌های اقتصادی عمده، مورد حملاتی قرار داده بود اما هر بار تعمیر می‌شدند و مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفتند. ناوهای جنگی آمریکا در خلیج فارس نیز به این تاسیسات نفتی حمله کردند که منتهی به انهدام آنها شد. دو سکوی رشادت و رسالت نخستین بار در مهرماه ۱۳۶۶ مورد حمله چهار ناوشکن آمریکایی که از پشتیبانی جنگنده‌های اف ۱۴ آمریکا در منطقه نیز برخوردار بودند، قرار گرفت و ۴۵ دقیقه طول کشید. در نتیجه این تهاجم، یکی از این تاسیسات بطور کامل و دیگری تا ۹۰٪ منهدم شد و جریان نفت از آنها به کلی متوقف گردید. بهانه آمریکا برای این حمله آن بود که ایران از این سکوها برای مقاصد نظامی استفاده می‌کند، کما اینکه رئیس‌جمهور وقت آمریکا، رونالد ریگان، در نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل، این حمله را "عملیات تلافی جویانه ایالات متحده علیه ایران" خواند و سعی کرد

آن را به عنوان "دفاع مشروع" تحت ماده ۵۱ منشور ملل متحد توجیه کند. جمهوری اسلامی ایران با انکار این قبیل انتسابات و اتهامات به سادگی اعلام نموده که کشتی "سی آیل سیتی" که به ادعای آمریکا مورد اصابت موشکهای کرم ابریشم ایران قرار گرفته، در موقع اصابت موشک، در آبهای سرزمینی کویت حرکت می‌کرده و فاصله آن با ایران به مراتب دورتر از برد موشک‌های کرم ابریشم بوده است و فقط عراق بوده که در موقعیتی قرار داشت که بتواند آن را شلیک کرده باشد. به علاوه "عملیات تلافی جویانه" با "دفاع مشروع" سازگار نیست و احکام و شرایط هریک از آندو در حقوق بین‌الملل متفاوت است. و حملات آمریکا از قبیل طراحی شده بود و ارتجالی و دفاعی نبوده است.

۲- دومین حمله آمریکا در اواخر فروردین ماه ۱۳۶۷ رخ داد که سکوهای سلمان ونصر را بطور همزمان هدف قرار دادند، در حالیکه تعمیرات آنها پایان یافته بود و تحت بهره‌برداری فعال ایران قرار داشتند. در این تهاجم سه کشتی نیروی دریائی آمریکا مشارکت داشتند و با یک اخطار چند دقیقه‌ای به پرسنل غیر نظامی مستقر در سکوها که محل را ترک نمایند - بدون اینکه عملاً مهلتی به آنها داده شود - حمله شروع شد و با شلیک دهها توپ و کار گذاشتن مواد منفجره را به سکوها را به آتش کشید، بطوری که تاسیسات سلمان، به اقرار فرماندهان ناوهای آمریکایی، صد درصد تخریب شد، و سکوهای نفتی در تاسیسات نصر نیز تماماً نابود شد. در این تهاجم که با برنامه‌ریزی دقیق قبلی و دستور ریگان انجام شد، عده‌ای از پرسنل ایرانی مستقر در سکوها که توانسته بودند محل را ترک کنند، مصدوم و مجروح شدند. در توجیه این حملات، نیز همانند تهاجم مهر ۱۳۶۶ به سکوهای رشادت و رسالت، آمریکا به "دفاع مشروع" متوسل و مدعی شد که به تلافی اینکه ایران از این سکوها برای مین‌گذاری در منطقه استفاده می‌کند، آنها را منهدم کرده است و به عنوان نمونه به حادثه اصابت مین به یک کشتی نیروی دریایی آمریکا بنام "یو.اس.اس. ساموئل بی. رابرتز" و مجروح شدن چند تن از خدمه آن در روزهای قبل از حمله استشهد می‌کرد. دولت ایران در اعتراض به این تجاوزات و حملات، نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل ارسال و ادعاهای آمریکا را نادرست خواند و منجمله اعلام کرد که سکوهای مورد حمله ارزش نظامی نداشته است. و فقط برای مقاصد اقتصادی و تجاری و صادرات نفت مورد استفاده بوده است. واقعیات قضیه نیز نادرستی ادعاهای آمریکا را ثابت می‌کرد، زیرا منطقه‌ای که کشتی "ساموئل" به مین برخورد کرده بود - یعنی شرق بحرین - تحت

نظارت کامل نیروهای آمریکایی، بحرینی و سعودی قرار داشت و به روی نیروهای هوایی عراق مفتوح بوده است، و مضافاً این عراق بود که مین‌هایی داشت که از هوا قابل کار گذاشتن بوده است.^(۱)

ب - مبانی حقوقی ادعای ایران

۳- جمهوری اسلامی ایران، هم در صلاحیت و هم در ماهیت، دعوی خود را براساس "عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین دول متحده آمریکا و ایران" (عهدنامه مودت) که در ۱۳۳۴/۵/۲۳ (۱۵/ اوت ۱۹۵۵) امضا شد، مطرح کرده است^(۲) و می‌گوید ایالات متحده آمریکا با حمله و انهدام سکوهای نفتی ایران تعهدات خود تحت مواد مختلف عهدنامه مودت را نقض کرده است و باید خسارات ایران را جبران کند و طبق ماده ۲۱ (بند ۲) عهدنامه مذکور رسیدگی به اختلافات دولتین در مورد تفسیر یا اجرای آن در صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری است.

۴- دادخواست اولیه ایران که به صورت "درخواست رسیدگی" و به نحو ایجاز تهیه شد، در سه قسمت تدوین گردیده است:

در قسمت اول مختصری از واقعیات مربوط به حملات آمریکا آمده، در قسمت دوم مساله صلاحیت دیوان بحث و اثبات شده و در قسمت سوم خواسته مورد تقاضای ایران قید شده است؛ و تفصیل مطالب و ارائه استدلالات بیشتر، همانطور که در روش طرح دعوی نزد دیوان بین‌المللی دادگستری متداول است، به دادخواست تفصیلی و لوايح بعدی محول شده است. تا جائیکه به "شرح واقعیات" مربوط شود، چون در قسمت اول آن نوشته توضیحات لازم ارائه شده، نیازی به تکرار نیست. اما در قسمت دوم درخواست ایران در مورد "صلاحیت دیوان و ماهیت ادعای جمهوری اسلامی ایران" ابتدا به ماده ۳۶ (بند ۱) اساسنامه دیوان از حیث صلاحیت اشاره شده که می‌گوید:

"دیوان‌المللی دادگستری نسبت به کلیه اموری که اطراف دعوی به او رجوع می‌کنند و همچنین نسبت به موارد خاصی که به موجب منشور ملل متحد یا به موجب

۱- در مصاحبه دکتر افتخار جهرمی سرپرست دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی با مطبوعات مورخ ۲۷ شهریور ۱۳۷۵ وقایع مربوط بیشتر توضیح داده شده است.

۲- عهدنامه مودت پس از امضا نمایندگان دولتین، در تاریخ ۱۳۳۴/۵/۲۳ (۱۵/ اوت ۱۹۵۵) به تصویب مجلس در ایران رسیده است. ر.ک. مجموعه قوانین دادگستری ۱۳۳۴.

عهدنامه و قراردادهای جاری، پیش‌بینی شده است صلاحیت رسیدگی دارد.^(۳)

سپس به ماده ۲۱ (بند ۲) عهد مودت بعنوان یک "عهدنامه جاری" و لازم‌الاجرا بین دولتین ایران و ایالات متحده اشاره شده که در مورد صلاحیت دیوان مقرر داشته :

"هر اختلافی بین طرفین معظمین متعاهدین در مورد تفسیر یا اجرای عهدنامه فعلی که از طریق دیپلماسی به نحو رضایتبخش فیصله نیابد به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع خواهد شد مگر اینکه طرفین معظمین متعاهدین موافقت کنند که اختلاف با وسائل صلح‌جویانه [طرق مسالمت‌آمیز] دیگری حل شود."^(۴)

در مورد پیش شرط حل و فصل اختلاف از طریق دیپلماسی قبل از طرح دعوی و مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری نیز ایران توضیح داده که قبل از طرح دعوی موضوع را به اطلاع دولت آمریکا رسانده تا خسارات ایران را بپردازند اما آن دولت نپذیرفته و اساساً خود را مسئول نمی‌داند. آنگاه در ماهیت دعوی گفته شده ایالات متحده با اقدامات خود در حمله و انهدام سکوه‌های نفتی ایران، نص و روح عهدنامه مودت و مشخصاً ماده ۱ و ۱۰ (بند ۱) آن را نقض کرده است. ایران در دادخواست تفصیلی و تکمیلی خود و تخلف آمریکا از ماده ۴ (بند ۱) عهدنامه مودت و نقض آن را نیز مطرح کرده است.

شده ماده ۱ عهدنامه مودت مقرر نموده "بین ایران و دول آمریکا صلح استوار و پایدار و دوستی صمیمانه برقرار خواهد بود." ماده ۴ (بند ۱) عهدنامه مودت نیز می‌گوید :

"هر یک از طرفین معظمین متعاهدین در تمام مواقع نسبت به اتباع و شرکتهای طرف معظم متعاهد دیگر و اموال و موسسات ایشان رفتار منصفانه و عادلانه مرعی خواهد داشت و از اتخاذ اقدامات غیر معقول و تبعیض‌آمیزی که به حقوق و منافع مکتسبه قانونی ایشان لطمه وارد آورد، خودداری خواهد نمود و برای اجرای حقوق

۳- اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری جزء منشور ملل متحد است که به تاریخ ۱۳/۶/۱۳۲۴ به تصویب مجلس در ایران رسیده و در مجموعه قوانین سال ۱۳۲۴ منتشر گردیده است. طبق ماده ۹۲ منشور ملل متحد، دیوان بین‌المللی دادگستری رکن قضائی سازمان ملل است و اساسنامه آن جزء لاینفک منشور می‌باشد. در نتیجه هر کشوری که منشور ملل را می‌پذیرد، خود بخود اساسنامه دیوان را نیز پذیرفته است. (ر.ک. پاورقی ۷).

۴- عهدنامه مودت، مجموعه قوانین دادگستری سال ۱۳۴۴.

قانونی آنان که در نتیجه قرارداد بدست آمده باشد، و مسائل موثری طبق قوانین مربوط تهیه و تامین خواهد کرد.^۶

ایران می‌گوید این ماده دولتین را متعهد می‌کند در مورد اتباع طرف دیگر و اموال متعلق به آنها در هر جا باشند، رفتار منصفانه و عادلانه اتخاذ کنند، بنابراین به طریق اولی امریکانمی‌تواند به اموال خود دولت ایران آنهم در خاک آن کشور، صدمه و خسارتی وارد آورد.

ماده ۱۰ (بند ۱) عهدنامه مودت نیز تصریح دارد: "بین قلمروهای طرفین معظمین آزادی تجارت و دریانوردی برقرار خواهد بود."

اما دولت امریکا با انهدام سکوهای نفتی ایران و موضع خصمانه و تهدیدآمیزی که در طول جنگ تحمیلی علیه ایران اتخاذ نموده آشکارا "آزادی تجارت" ایران را مورد لطمه قرار داده و آن را از بین برده است و به عبارت دیگر اقدامات امریکا علیه ایران طوری است که آزادی تجارت را که در ماده مذکور تضمین شده است، نقض می‌نماید.

ع-ایران در مباحث ماهوی خود برای اثبات مسئولیت امریکا، استدلال می‌کند که آن دولت علاوه بر نقض نص مواد مذکور از عهدنامه مودت، "موضوع وهدف" آن را نیز نقض کرده و مضافاً از تکالیف خود تحت حقوق بین‌الملل عرفی در باب عدم تجاوز و احترام به حاکمیت دولتها و رعایت بی‌طرفی در مخاصمات مسلحانه تخلف نموده است. منتهی در رسیدگیهای بعدی و بویژه در جلسه استماع، ایران تصریح کرده مبنای اصلی دعوای او همانا نقض مواد مشخصی از عهدنامه مودت از جانب امریکا است و نه نقض موضوع وهدف آن عهدنامه بعنوان یک مجموعه، و در مورد نقض حقوق بین‌الملل عرفی هم ایران توضیح داده که مقصود آن است که تعهدات مشخص امریکا در عهدنامه مودت در پرتو حقوق بین‌الملل عام و در فحوای تکالیف دولتها در حقوق بین‌الملل عرفی مورد بررسی قرار گیرد. به این ترتیب ادعای ایران محدود به نقض عهدنامه مودت توسط امریکا بوده است.

۷- و اما خواسته ایران در این دعوی همان است که در بند ۹ و ۱۰ حکم دیوان آمده است و در ترجمه فارسی آن قابل ملاحظه است و تکرار آن ضرورتی ندارد، منتهی، همانطور که در بالا اشاره شد در طول رسیدگی ایران نقض ماده ۴ (بند ۱) عهدنامه را نیز جزو خواسته ذکر کرده است.

ج - ایرادات صلاحیتی امریکا

۸- چندماه پس از تسلیم درخواست اولیه‌اش، ایران دادخواست تفصیلی و تکمیلی خود را همراه با اسناد و مدارک در دیوان ثبت کرد. ایالات متحده امریکا (خواننده) در لایحه جوابیه خود، به استناد ماده ۷۹ (بند ۱) آئین دادرسی وقواعد دیوان، ایراد عدم صلاحیت کرد.^(۵) با این ایراد مقدماتی و صلاحیتی، دیوان مطابق مفاد بند ۳ همان ماده رسیدگی ماهوی را معلق به تعیین تکلیف ایراد صلاحیتی نمود و دستور تبادل لوایح درمساله صلاحیت را صادر کرد.^(۶)

۹- ایالات متحده بطور کلی دفاع می‌کند که اختلافات موجود بین دولتین مستقیماً مربوط و ناشی از اعمال زور و معطوف به مقوله حقوق مخاصمات مسلحانه (Law of armed conflicts) بویژه دفاع مشروع است و نمی‌تواند موضوع عهدنامه‌ای باشد که ماهیتی تجاری و کنسولی دارد و هدف از آن تنظیم و تنسيق روابط اقتصادی طرفین و ایجاد تسهیلات تجاری و کنسولی برای اتباع دولتین بوده است. به این ترتیب، امریکا منکر وجود اختلاف حقوقی بین طرفین نیست، منتهی معتقد است عهدنامه مودت گنجایش چنین موضوعات و اختلافاتی را ندارد و بنابراین سند و مبنائی که ایران برای اثبات صلاحیت دیوان ارائه کرده (عهدنامه مودت) فاقد ربط معقولی با اختلاف فیما بین و دعوای مطروح است و در نتیجه دیوان صلاحیت رسیدگی ندارد.^(۷) در مورد سه ماده

۵- ماده ۷۹ (۱) قواعد رسیدگی دیوان مقرر می‌کند: "هرگونه ایراد از ناحیه خواننده به صلاحیت دیوان یا قابل استماع بودن دعوی، یا سایر ایراداتی که تصمیم‌گیری نسبت به آنها قبل از رسیدگی ماهوی درخواست شود، باید بصورت کتبی و در موعدی که برای لایحه جوابیه مقرر می‌شود، مطرح گردد..."

۶- ماده ۷۹ (۳) قواعد رسیدگی دیوان: "به محض دریافت ایراد مقدماتی توسط مدیر دفتر دیوان، رسیدگی ماهوی معلق می‌شود و دیوان یا در غیاب اجلاس دیوان، رئیس موعدی را برای طرف مقابل تعیین می‌کند که اظهارات کتبی و ملاحظات خود را تقدیم نماید؛ که مدارک مثبت نیز باید ضمیمه آن شود و ادله‌ای که در نظر است ارائه شود نیز باید ذکر گردد."

۷- یکی از اقتضانات اصل حاکمیت، دولتها در حقوق بین‌الملل آن است که هیچ دولتی را نمی‌توان به دادرسی فراخواند مگر رضایت خود را قبلاً اعلام کرده باشد بنابراین مراجع بین‌الملل در صورتی صلاحیت رسیدگی دارند که دولتین اصحاب دعوی بویژه خواننده پشاپیش صلاحیت آن را پذیرفته باشند یا پس از طرح دعوی، دولت خواننده به صلاحیت آن تمکین کند و تسلیم شود. (ر.ک: حکم دیوان در پرونده تیمور شرقی، دعوای پرتقال علیه استرالیا، گزاره آراء دیوان، ۱۹۹۵، ص ۱۰۱) گرچه اساسنامه دیوان جزء لاینفک منشور ملل متحد است اما صرف الحاق به آن بمعنای پذیرش صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری نیست بلکه اقدامات دیگری نیز لازم است. ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد صلاحیت دیوان ناظر به همین معنی است. بند ۱ آن در مورد صلاحیت اختیاری،

مشخص از عهدنامه مودت که ایران به عنوان منشاء اختلاف و بالنتیجه صلاحیت دیوان به آنها استناد نموده نیز آمریکا با تفسیر ایران از آنها مخالف است و استدلال می‌کند انهدام سکوه‌های نفتی ایران در قلمرو شمول آنها نمی‌گنجد خروج موضوعی دارد و بنابراین دیوان صلاحیت ندارد به مشروعیت یا عدم مشروعیت اقدامات آمریکا تحت عهدنامه مذکور رسیدگی کند.

۱۰- در مورد ماده ۱ عهدنامه مودت، آمریکا عقیده داشت این ماده هیچگونه تعهد ملموس و مشخصی را در خود ندارد بلکه به صورت چتری جامع مجموع عهدنامه را در برمی‌گیرد و بیشتر حاکی از تمایل و توصیه کلی دولتین است تا اینکه ضابطه‌ای برای تکلیف و تعهد آنها به دست دهد. درباره ماده ۴ (بند ۱) نیز آمریکا می‌گفت تعهدات مندرج در این ماده ناظر به رفتار عادلانه و منصفانه با اتباع هریک از دولتین است که بمنظور اهداف تجاری و خصوصی به سرزمین طرف دیگر آمده باشند و بنابراین اجرای آن محدودیت سرزمینی دارد. و بالاخره، بنظر آمریکا ماده ۱۰ (بند ۱) عهدنامه مودت درباره "آزادی تجارت" باید بطور مضیق تفسیر شود و قلمروی محدود دارد که منحصر است به تجارت به معنای اخص آن - یعنی خرید و فروش کالا - آنها در دامنه محدود "تجارت دریائی" بین دولتین.

۱۱- بحث و گفتگوی بیشتر در مورد نظرات ایران و ایرادات آمریکا ضرورت ندارد، زیرا متن حکم دیوان از این حیث گویا است و نظرات طرفین را نقل کرده است. بهرحال، دیوان بین‌المللی دادگستری به لحاظ استدلالات و تفسیرهای مختلفی که هریک از طرفین از مواد و مفاد عهدنامه مودت به دست می‌دادند، وجود "اختلاف" را احراز کرد و به استناد ماده ۲۱ همان عهدنامه وارد رسیدگی صلاحیتی شد.

ادامه از صفحه قبل دیوان است که ممکن است دولتها دعوی خاصی را بصورت موردی به او ارجاع نمایند یا در عهدنامه‌ای یا قراردادی صلاحیت آن را برای دعوی ناشی از همان عهدنامه یا قرارداد بپذیرند، چنانکه در ماده ۲۱ (۳) عهدنامه مودت آمده است. بند ۲ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان ناظر است به صلاحیت اجباری دیوان که ممکن است دولتی با صدور یک اعلامیه کلی خود را متعهد سازد که در کلیه اختلافات با سایر دول صلاحیت دیوان را می‌پذیرد - چنانکه در قضیه نفت ایران و انگلیس چنین بود. البته این اعلامیه قابل استرداد و رجوع است و می‌تواند مشروط به شرایطی باشد.

د - نکات مهم حکم دیوان

۱۲- موضوعات مورد بحث در حکم دیوان ناظر به شش مقوله حقوقی است که در مقدمه آن ذکر شده است و مشخص می‌کند که یافته‌های دیوان بیشتر به کدام حوزه‌ها و زمینه‌های حقوق بین‌الملل معطوف است. این فهرست جزو حکم نیست و عمدتاً برای عطف توجه و تسهیل کار محققین است. مسلماً این یادداشت تمهیدی و کوتاه مجال بحث و گفتگو در همه این مقولات و سایر زمینه‌های ذیربط با حکم دیوان را فراهم نمی‌کند، از این رو به اهم نکات آن اشاره می‌کنیم.

۱۳- ایراد عدم صلاحیت امریکا دو بخش دارد: یکی اینکه عهدنامه مودت اساساً در حالت استفاده از زور و مخاصمات مسلحانه قابل اجرا نیست، دوم اینکه مشروعیت و قانونی بودن اقدام امریکا در حمله به سکوه‌های نفتی ایران، هیچگونه مساله تفسیری را در ارتباط با مواد سه گانه عهدنامه مودت که ایران استناد کرده، مطرح نمی‌کند تا دیوان صلاحیت رسیدگی پیدا کند. در توضیح نکته اول باید گفت هر رسیدگی قضائی اصولاً دو مرحله دارد، یکی مقدماتی که در این مقطع معمولاً ایرادات مطرح می‌شود، مانند ایراد صلاحیت، فقدان سمت، امر مختومه، مرور زمان و غیره که ادامه رسیدگی متوقف بر تعیین تکلیف آنها است. اثر طرح چنین ایراداتی متوقف شدن رسیدگی ماهوی است. (ماده ۷۹ بند ۳ قواعد رسیدگی دیوان) دوم مرحله رسیدگی ماهوی است که در صورت رد ایرادات مقدماتی یا گاه الحاق آن به ماهیت به این علت که فاقد خصلت "مقدماتی" است و بیشتر مربوط به ماهیت است (مانند ایراد تابعیت دعوی یا ایراد دادخواهی نزد محاکم داخلی بعنوان پیش شرط طرح دعوای بین‌المللی)، آغاز می‌شود.^(۸) اما در دعوای بین‌المللی باید از یک مرحله "پیش مقدماتی" نیز سخن گفت که بیشتر معطوف به مقوله صلاحیت است و در واقع "ماقبل صلاحیتی" است. آنچه در این مرحله باید بررسی شود آن است که آیا بین ادعای مطروحه با سند یا قراردادی که بعنوان مبنای صلاحیت مورد استناد قرار گرفته، ارتباطی وجود دارد یا خیر. آنچه در مباحث نظری محل بحث و گفتگو است ضابطه احراز این رابطه (استاندارد دلیل) در این مرحله است. عده‌ای وجوه

۸- برای اطلاع بیشتر، ر.ک

رابطه معقول (reasonable connection) را لازم می‌شمرند و بعضی معیار "علی‌الظاهر" (prima facie) را کافی می‌دانند. شک نیست که ضابطه دلیل برای هر یک از این دو بسیار متفاوت است، زیرا احراز "رابطه معقول" محتاج ادله‌ای به مراتب بیش از آن است که سند یا قرارداد مورد استناد "ظهور در صلاحیت" داشته باشد. در مقررات بعضی موسسات داوری مانند قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) آمده است که وجود شرط داوری به صورت "علی‌الظاهر" برای صلاحیت کافی است تا هیئت داوری مربوط کار خود را شروع کند.^(۹) صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری در دعاوی بین‌المللی مطلب مهمی است که با حاکمیت دولتها مربوط می‌شود به همین لحاظ با اینکه اساسنامه دیوان جزء لاینفک منشور ملل متحد است و دولتها با الحاق به آن عضو دیوان به شمار می‌آیند اما لزوماً به معنای پذیرش صلاحیت آن نیست، بلکه طبق ماده ۳۶ آئین دادرسی دیوان اقدامات دیگری هم لازم است تا دیوان صلاحیت رسیدگی داشته باشد.^(۱۰)

۱۴- ایرادات صلاحیتی که در مرحله مقدماتی طرح می‌شود و رسیدگی و اتخاذ تصمیم در مورد آنها بنحوی که صلاحیت دیوان اثباتاً احراز گردد، جای خود را دارد اما چنانچه گفتیم پیش از آن یعنی در مرحله "ماقبل صلاحیتی" باید معلوم شود بین دعوای مطروحه و مبانی صلاحیتی آن با موضوعاً (و نه حکماً) ارتباطی وجود دارد. در واقع از همین دیدگاه بود که آمریکا ایراد می‌کرد چون عهدنامه مودت تماماً ناظر به موضوعات تجاری و کنسولی است نمی‌تواند با دعوای ایران که موضوعاً مربوط به مقوله مخاصمات مسلحانه است، هیچگونه ارتباطی داشته باشد. اما دیوان این را نپذیرفت و اظهار نظر کرد که این استدلال بیش از یک ایراد "پیش مقدماتی" و حتی "مقدماتی" است، بلکه ملحق و مربوط به مقوله ماهیت است که عندالاقضاء می‌تواند بصورت دفاع ماهوی مطرح گردد.^(۱۱)

۹- طبق ماده ۷ قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) اگر بین طرفین شرط داوری بصورت علی‌الظاهر وجود نداشته باشد یا ... به خواهان اعلام می‌شود که داوری نمی‌تواند ادامه یابد. مفهوم مخالف این ماده آن است که وجود شرط داوری ICC بطور علی‌الظاهر برای شروع داوری کافی است نیز ماده ۸ (بند ۳) همان مقررات می‌گردد: "اگر یکی از طرفین در مورد وجود قرارداد داوری یا اعتبار آن ایراد کند، چنانچه دیوان داوری قانع شود که چنین قراردادی بصورت علی‌الظاهر وجود دارد، می‌تواند به ادامه داوری رای دهد، بدون اینکه درقابل استماع بودن یا ماهیت دعوی اثری داشته باشد..."

۱۰- ر.ک: پاورقی ۷ بالا

۱۱- اینکه ایران درخواست کرده بود که حتی اگر ایرادات صلاحیتی امریکارا رد نشود، دیوان حداقل اعلام نماید

افزون بر این، برای احراز این "رابط" در حدودی که در این مرحله لازم بوده، دیوان به نکته دیگری هم اشاره کرده که خاص عهدنامه مودت است و آن اینکه در مستثنیات مندرج در ماده ۲۰ (بند ۱-د) که حاکی از جواز اقداماتی است که نوعاً می‌تواند با مساله اعمال زور (عملیات نظامی) مربوط باشد، نیز شرطی وجود ندارد که بعضی موضوعات را چنانکه امریکا ادعا می‌کند، از صلاحیت دیوان خارج کرده باشد، بلکه این مستثنیات هم از نوع دفاعات ماهوی است (بند ۲۰ حکم). نکته جالب‌تر که در حکم دیوان آمده اینکه نحوه و روش نقض تعهدات بین‌المللی در عهدنامه‌ها موثر در صلاحیت نیست - خواه به صورت استفاده از زور و توسل به اقدامات نظامی باشد یا سایر طرق - بلکه انتساب آنها به دولت متخلف کافی است (بند ۲۰ حکم).

امریکا با طرح این ایراد که عهدنامه مودت دارای خصلت تجاری است و نمی‌تواند شامل اختلافات ناشی از درگیریهای مسلحانه یا توسل به زور و دفاع مشروع باشد در واقع از هرگونه بحث ماهوی می‌گریخت زیرا در این واقعیت تردید وانکار نبود که امریکا سکوهای نفتی ایران را منهدم کرده و مرتکب یک عمل خلاف حقوق بین‌الملل شده است. منتهی بنظر امریکا چون این عمل را حین درگیری مسلحانه و در مقام دفاع مشروع رخ داده، امکان حل و فصل حقوقی و قضائی موضوع منتفی است و باید از طریق سیاسی و شورای امنیت و در پرتو ماده ۵۱ منشور ملل متحد رسیدگی و حل شود. در دعوای نیکاراگوئه علیه امریکا به سال ۱۹۸۶ نیز امریکا همین رویه را در دفاع پیش گرفت اما دیوان نپذیرفت و قرار اقدامات تامینی را صادر کرد.^(۱۲)

۱۵- وجه دوم ایرادات صلاحیتی امریکا مشخصاً مربوط به سه ماده استنادی ایران از عهدنامه مودت است. بنظر امریکا مشروعیت یا عدم مشروعیت اقدامات آن دولت در انهدام سکوهای نفتی ایران - یعنی محل نزاع - در قلمرو تعهدات موضوع این مواد نمی‌گنجد. اما برعکس نظر امریکا، همین مطلب است که بنظر دیوان یک اختلاف تفسیری در مورد اجرای عهدنامه مودت را پیش

ادامه از صفحه قبل که ایرادات مذکور فاقد وصف "مقدماتی" است، ظاهراً ناشی از همین ملاحظات بوده است. زیرا هرگاه دیوان ایرادات امریکا را مقدماتی می‌دانست، مطابق ماده ۷۹ (بند ۳) قواعد دیوان مانع از ورود در ماهیت می‌شد.

۱۲- برای ملاحظه تحلیلی از قرار اقدامات موقت تامینی دیوان در پرونده نیکاراگوئه، رک: دکتر حسن حبیبی،

می‌نهد. قبل از اینکه نظر دیوان را در این مورد بررسی کنیم، بد نیست اشاره کنیم که دیوان برای تفسیر عهدنامه مودت به کنوانسیون وین ۱۹۶۹ مراجعه کرده است. بطور کلی تفسیر عهدنامه‌های بین‌المللی با مراجعه به موازین وضوابط حقوق بین‌الملل عام در مورد معاهدات انجام می‌شود. در حال حاضر مهم‌ترین سندی که در این زمینه وجود دارد کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در مورد حقوق معاهدات است که ماده ۳۱ و ۳۲ آن رهنمودها و معیارهای روشنی را پیش بینی کرده است. البته ایران و آمریکا عضو این کنوانسیون نیستند، اما از آنجا کنوانسیون مذکور حاوی اصول وقواعد حقوق بین‌الملل عرفی در زمینه حقوق معاهدات بوده و در واقع منعکس کننده عرف بین‌المللی، رویه دولتها، دکترین و حتی موازین قضایی معاصر است بنابراین، حتی برای کشورهای که به آن ملحق نشده‌اند دست کم راهنمای قابل اعتماد و مهمی برای دسترسی به موضع حقوق بین‌الملل بشمار می‌رود. از این رو، دیوان برای بررسی نظرات طرفین دعوی در تفسیری که از عهدنامه مودت ارائه کرده‌اند و نیز برای ارائه تفسیر خود از مواد آن عهدنامه، به کنوانسیون مذکور مراجعه و به آن استشهاد نموده است (بند ۲۳ حکم).

۱۶- استدلال دیوان در تفسیر ماده ۱ عهدنامه مودت قابل توجه و مطالعه است. اساس بحث آن است که بنظر ایران ماده ۱ صرفاً بیان یک توصیه یا علاقه ساده نیست بلکه با توجه به حقوق بین‌الملل عرفی، معنای محصلی دارد که مفید تعهد صریح دولتین به رعایت و اجرای آن می‌باشند و نقض آن مسئولیت‌آور است. مضمون این تعهد و معیار آن، بنظر ایران، عبارت است از اتخاذ رفتاری مسالمت‌آمیز و دوستانه مطابق با ضوابط حقوق بین‌الملل عام، منشور ملل متحد و قطعنامه شماره ۲۵ (۴۶۲۵) مجمع عمومی در مورد روابط دوستانه بین دولتها، و بویژه اجتناب از بکارگیری زور و اعمال خصمانه یا مسلحانه. در واقع ایران ماده مذکور را در پرتو موازین حقوق بین‌الملل عام درباره رفتار مسالمت‌آمیز بین دولتها که نقض آن موجب مسئولیت است، تفسیر می‌کند. آمریکا، برعکس عقیده دارد که این تفسیر بسیار وسیع است و مهم‌تر، تعهدات مندرج در ماده ۱ ضابطه و معیار ملموسی ندارد تا بتوان تعیین کرد از چه مرحله‌ای به بعد رفتار هریک از دولتین "غیر دوستانه" است، بلکه این ماده در واقع مدخل مجموعه عهدنامه است که مضامین و تعهدات مندرج در آن را در بر می‌گیرد. آمریکا در توجیه تفسیر خود هم به سابقه و تاریخچه انعقاد عهدنامه‌های مودت در دهه

۱۹۵۰ اشاره می‌کند و هم به رویه بعدی که دولتین در طول زمان اتخاذ کرده‌اند.

۱۷- دیوان استدلال خود را با این بیان کلی شروع می‌کند که مفاد ماده ۱ عهدنامه مودت باید در پرتو موضوع و هدف آن تفسیر شود. سپس می‌گوید موضوع و هدف عهدنامه مودت بطور کلی عبارت است از آنچه در مقدمه آن آمده یعنی "تشویق بازرگانی و سرمایه‌گذارهایی که به نفع هر دو طرف است و بطور کلی ایجاد روابط اقتصادی نزدیکتر" و همچنین "تحت نظم و قاعده در آوردن مناسبات کنسولی" دولتین که مواد مختلف عهدنامه عهده‌دار توضیح و تفصیل آن با ذکر انواع حقوق و مزایای اتباع طرفین در خاک کشور دیگر است.

به این ترتیب، دیوان نتیجه می‌گیرد که موضوع و هدف عهدنامه مودت لزوماً آن نیست که در ماده ۱ آن ذکر شده تا گفته شود کلیه شروط و مواد دیگر عهدنامه انعکاس و تفصیل همین هدف کلی است، بلکه با درج ماده ۱ دولتین خواسته‌اند بگویند شرط مقدم هرگونه توسعه روابط کنسولی، مالی و تجاری همانا "صلح استوار و پایدار و دوستی صمیمانه" بین دولتین است. در تأیید این تفسیر، دیوان به رای خود در پرونده نیکاراگوئه در سال ۱۹۸۶ نیز استناد جسته که بحث "موضوع و هدف" عهدنامه به تفصیل در آن مطرح شده است.^(۱۳) مضافاً دیوان به رویه بعدی طرفین در مورد ماده مذکور اشاره می‌کند و می‌گوید هیچکدام از دو دولت در سایر دعاوی که نزد دیوان داشته‌اند و عهدنامه مودت در آنها مطرح بوده، به ماده ۱ به عنوان تعهدی مستقل اشاره نکرده‌اند، بدین معنی که نه امریکا در دعاوی خود در مورد کارکنان کنسولی امریکا در تهران (پرونده مربوط به گروگانهای امریکایی)، و نه ایران در دعاوی مربوط به حادثه هوایی ۳/ ژولای ۱۹۸۸ (پرونده سقوط ایرباس) در مباحث و استدلالات صلاحیتی خود، به ماده ۱ عهدنامه مودت استناد نکرده‌اند. دیوان نهایتاً تفسیر ایران را نپذیرفته و در نتیجه گیری نهایی خود می‌گوید هرچند ماده ۱ مذکور از حیث تفسیر عهدنامه خالی از اهمیت نیست، اما بالاستقلال حاوی مضمونی نیست که نقض آن برای دیوان صلاحیت رسیدگی ایجاد کند، بلکه سایر مواد عهدنامه باید در پرتو آن تفسیر شود (بند ۳۲ حکم). این تصمیم دیوان قابل انتقاد بنظر می‌رسد، زیرا اگر ماده ۱ در تفسیر سایر مواد عهدنامه موثر و مرتبط است تعهد مشخصی را نیز بدنبال می‌آورد که نقض آن مسئولیت‌آور است، والا درج آن حشو و زائد خواهد بود،

درحالیکه مطابق ماده ۳۱ کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات، در تفسیر باید بگونه‌ای عمل کرد که هیچ شرط یا ماده‌ای از معاهده بی‌معنی و خالی از فائده نباشد.

۱۸- اما در مورد ماده ۴ (بند ۱) عهدنامه مودت، دیوان تفسیر ایران را می‌پذیرد که تعهدات مندرج در آن محدودیت سرزمینی ندارد، زیرا تضمینی که بند ۱ این ماده برای اتباع طرفین و اموال ایشان فراهم می‌کند، گسترده‌تر از تعهداتی است که سایر بندهای ماده ۴ مقرر نموده است. معذک بنظر دیوان مقررات تفصیلی این ماده مشخصاً ناظر است به چگونگی رفتار هریک از دولتین با اتباع طرف دیگر و اموال ایشان، و نه رفتار دولتین نسبت به یکدیگر. نتیجه‌ای که دیوان از این استدلال می‌گیرد آنکه تا جائیکه به دعوی ایران به نحو مطروحه مربوط می‌شود ماده ۴ (بند ۱) هیچ مبنا یا ضابطه‌ای در روابط دو دولت بدست نمی‌دهد تا تخلف از آن ادعایی ایجاد نماید و از این رهگذر دیوان صلاحیت رسیدگی پیدا کند. به عبارت دیگر، ادعای ناشی از این ماده تا هنگامی مرتبط و درست است که رفتار یکی از دولتین با اتباع دولت دیگر یا نسبت به اموال آن اتباع غیر منصفانه و غیر عادلانه باشد، و نه با خود آن دولت. (بند ۳۶ حکم).

۱۹- چنانکه ملاحظه می‌شود، دیوان موضع ایران در تفسیر این ماده را پذیرفته که تعهدات موضوع ماده ۴ (بند ۱) قید سرزمینی ندارد و اتباع طرفین و اموال ایشان در هر جا که باشد از تضمین‌ها و حمایت‌های تحت آن ماده برخوردارند، اما اینکه چنین تعهدی به طریق اولی ناظر به اموال خود دولتین نیز باشد مورد قبول دیوان واقع نشده است و در نتیجه اقدامات امریکا در انهدام سکوهای نفتی (اموال ایران) را مشمول این ماده ندانسته تا نقض آن برای دیوان ایجاد صلاحیت کند. این قسمت از حکم دیوان نیز قابل انتقاد بنظر می‌رسد، زیرا دست کم در پرتو اهداف موضوع ماده ۱ عهدنامه که بنظر دیوان راهنمای تفسیر سایر مواد آن - منجمله ماده ۴ - است، تضمین‌ها و حمایت‌های موضوع ماده ۴ باید همان طور اعمال و تامین شود که صلح استوار بین دولتین اقتضا می‌کند. انهدام سکوهای نفتی که یکی از مهم‌ترین منابع مالی و تجاری ایران است، آشکارا مخالف چنین تضمین‌هایی در پرتو صلح استوا^{۲۰} است که به قول دیوان "به کل عهدنامه روح و معنی می‌بخشد." (بند ۵۲ حکم)

۲۰- چنانکه دیدیم، دیوان دو مبنای صلاحیتی دعوی ایران یعنی ماده ۱ و ماده ۴ (بند ۱) از

عهدنامه مودت را رد کرده است و آنها را با موضوع ادعای ایران مرتبط ندانسته و در نتیجه برای صلاحیت خود کافی تلقی نکرده است. اما در مورد مبنای سوم یعنی ماده ۱۰ (بند ۱) عهدنامه مذکور، دیوان موضع قبول و تایید اتخاذ کرده است. قبلاً گفتیم در تفسیر این ماده دو مطلب مورد اختلاف طرفین بوده است: اول، ایران عقیده دارد که مفهوم "تجارت" مورد حمایت و تعهد در ماده ۱۰ (بند ۱) محدود به تجارتهای دریائی نیست بلکه شامل مطلق تجارت است. دوم، واژه تجارت ناظر به مصداق قریب و اخص آن یعنی خرید و فروش نیست، بلکه شامل عملیات مقدماتی و تمهیدی یعنی تجارت بالقوه، مانند آماده‌سازی کالا برای صادرات نیز می‌شود، یعنی همان کاری که سکوهاى نفتی ایران در خلیج فارس عهده‌دار آن بوده‌اند. امریکا با هر دو برداشت مخالف است و تفسیر دیگری ارائه می‌کند و معتقد است "آزادى تجارت" مقرر در ماده مذکور ناظر به تجارت بین خود دو کشور است که عملاً و واقعاً صورت پذیرد. هدف امریکا از این ایراد و تفسیر آن است که اگر معلوم شود در تاریخ انهدام سکوها، صادرات و فروش نفت به امریکا انجام نمی‌شده، طبعاً موضوع از شمول این ماده خارج خواهد بود. (۱۴)

۲۱. در اینکه واژه "تجارت" بنحو اطلاق مورد نظر بوده و نه خصوص خرید و فروش، دیوان با مراجعه به منابع لغوی و معنای متعارف واژه تجارت و نیز با ارجاع به یکی از آراء قبلی خود که متضمن تفسیر عبارت مشابهی (آزادى تجارت) بوده، نتیجه می‌گیرد که واژه تجارت شامل انواع فعالیت‌های تجاری بنحو اطلاق می‌شود و محدود به خرید و فروش، نیست و فعالیت‌های جنبی و وابسته آن که جزء ذاتی تجارت است را نیز در بر می‌گیرد (بند ۴۹ حکم) و بدینسان قسمت اول تفسیر ایران را می‌پذیرد. در مورد اینکه اقدامات و فعالیت‌های مقدماتی و تمهیدی برای آماده‌سازی کالا جهت صادرات یا فروش نیز در حوزه شمول تأمین‌ها و تضمین‌های ماده ۱۰ (بند ۱) قرار می‌گیرد یا نه، دیوان عقیده دارد که قید "آزادى تجارت" هر عملی را که این آزادی را متعذر و ممتنع سازد منجمله عملیات یا اقداماتی که بالقوه مستعد اثرگذاری بر حمل کالا یا نگهداری آن به قصد صادرات باشد،

۱۴- دیوان در بند ۴۴ حکم می‌گوید چون هیچیک از طرفین اعتراضی ندارد که حداقل تا زمان انهدام اولین سکوی نفتی در مهر ۱۳۷۶ صادرات نفت در مقیاس محدودی به شرکت‌های امریکایی وجود داشته، لازم نمی‌داند به این مطلب بپردازد که آیا تجارت مندرج در ماده ۱۰ (۱) منحصر به دو دولت است یا نه.

ممنوع می‌کند. و به این ترتیب، دیوان قسمت دوم تفسیر ایران را نیز تأیید می‌کند و نظر امریکارا رد می‌کند. جالب اینکه، بنظر دیوان، حتی لازم نیست اثر سوء ولطمت چنین اقداماتی بالفعل باشد تا در قلمرو ماده مورد بحث قرار گیرد و چون انهدام سکوه‌های نفتی ایران بالقوه می‌تواند آثاری سوئی بر "آزادی تجارت" موضوع ماده ۱۰ (بند ۱) داشته باشد، بنابراین رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد (بند ۵۱ حکم). دیوان در تکمیل و تأیید استدلال خود به تفسیری که قبلاً از ماده ۱ عهدنامه بعمل آورده، رجوع کرده و می‌گوید این ماده به کل عهدنامه روح و معنی می‌بخشد و در موارد تردید، دیوان را به تفسیری متمایل می‌کند که با این هدف کلی همسو و هماهنگ باشد - یعنی دست یافتن به روابط دوستانه در چارچوب طیف کاملی از اقدامات و فعالیت‌هایی که موضوع عهدنامه است، که از آن جمله است "آزادی تجارت".

بهر حال، چنانکه ملاحظه می‌شود دیوان فقط به اعتبار همین ماده ۱۰ (بند ۱) عهدنامه مودت است که صلاحیت خود را احراز کرده است. و دو مبنای دیگر مورد استناد ایران (ماده و ماده ۴ (۱)) را کافی و وارد ندانسته است.

۲۲- همانطور که در ذیل حکم آمده، دو تن از ۱۶ تن قضات دیوان با این حکم مخالف بوده‌اند که "نظر مخالف" و استدلالات خود را به آن ضمیمه کرده‌اند. بعضی از قضات موافق هم "نظر جداگانه" داده‌اند یعنی با نتیجه‌گیری دیوان در احراز صلاحیت موافقت داشته‌اند اما با استدلالاتی متفاوت و از طرق دیگر به آن دست یافته‌اند. مطالعه و بررسی نظرات مخالف و جداگانه قضات دیوان و ترجمه آنها فرصت و مجال دیگری می‌طلبد و همینقدر اشاره می‌کنیم که نظر مخالف قاضی او را متضمن بحث در صلاحیت دیوان بر اساس شرط صلاحیت اجباری در عهدنامه‌های دو جانبه است، با تأکید بر اینکه صرف درج چنین ماده‌ای در یک عهدنامه دو جانبه نمی‌تواند جایگزین یا نافی اصل مهم رضایت دولتها برای ارجاع اختلاف به دیوان باشد خصوصاً وقتی اختلاف مطروحه در مقوله مخاصمات مسلحانه است، و چنین شرطی را باید بطور مضیق تفسیر کرد. نظر مخالف قاضی شعیبل نیز مبتنی است بر اینکه عهدنامه مودت ایران و امریکا منصرف از مسائل مربوطه به "استفاده از زور" است که ماده ۲۲ (بند ۱-د) عهدنامه مودت صریحاً آن را جزو مستثنیات ذکر کرده است.

موضوعات مورد بحث در حکم دیوان

□ صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری - عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و آمریکا مورخ ۱۵/ اوت ۱۹۵۵ (۱۳۳۴ ش) - عهدنامه لازم‌الاجرا.

□ ماده ۲۱ (بند ۲) عهدنامه مودت - اختلافاتی که از طریق دیپلماسی بطور رضایت بخش حل نشده - عدم توافق طرفین در حل اختلاف از سایر طرق - اختلاف در مورد تفسیر یا اجرای عهدنامه.

□ ادعای اینکه عهدنامه مودت در موضوعات مربوط به استفاده از زور اجرا نمی‌شود - فقدان شرط صریح در عهدنامه که بعضی موضوعات را از صلاحیت دیوان استثناء کرده باشد - ماده ۲۰ (بند ۱-د) عهدنامه مودت بعنوان دفاع در ماهیت - غیر مشروع بودن اقداماتی که با تعهدات ناشی از عهدنامه مودت منطبق نیست، بهر طریق که انجام شده باشد.

□ ادعای اینکه دعوای ایران نمی‌تواند مبتنی بر ماده ۱ عهدنامه مودت باشد - تفسیر عهدنامه در پرتو "موضوع و مقصود" آن - موضوع و مقصود عهدنامه که ربطی به تعهدات کلی ناظر به روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز بین طرفین ندارد - مدارک و رویه‌ای که متعاقب انعقاد عهدنامه بین طرفین مبادله و ایجاد شده - شروط عهدنامه که گرچه از حیث تفسیر سایر مواد آن واجد اهمیت حقوقی هستند اما اگر بطور انتزاعی در نظر گرفته شوند، نمی‌توانند مبنای صلاحیت دیوان قرار گیرند.

□ ادعای اینکه دعوای ایران نمی‌تواند مبتنی بر ماده ۴ (بند ۱) عهدنامه مودت باشد - شروط عهدنامه که محدودیت سرزمینی ندارد - شروط عهدنامه که ناظر به نحوه رفتار دولتین با اتباع و شرکت‌های یکدیگر است - قابل اعمال نبودن ماده ۴ (بند ۱) عهدنامه نسبت به مورد خاص.

□ ادعای اینکه دعوای ایران نمی‌تواند مبتنی بر ماده ۱۰ (بند ۱) عهدنامه مودت باشد - مفهوم کلمه "تجارت" در ماده مذکور - مفهومی که محدود به تجارت دریایی نباشد - مفهومی که محدود به فعالیت‌های خرید و فروش نباشد - شروط عهدنامه در حمایت از "آزادی تجارت" (بین دولتین) -- امتناع و توقف آزادی تجارت بواسطه اقداماتی که مشتمل بر انهدام کالائی است که قرار است صادر شود یا اقداماتی که متضمن اثرگذاری بر حمل و انبار کردن کالا بمنظور صادرات است - اقدامات انهدامی که متضمن تاثیرگذاری بر صادرات نفت ایران است و بر آزادی تجارت، بنحوی که به موجب ماده ۱۰ (بند ۱) عهدنامه تضمین شده، اثر معکوس دارد - ارزیابی مشروع بودن اقدامات آمریکا در

پر تو ماده مذکور.

متن حکم دیوان بین‌المللی دادگستری

شماره حکم: ۹۰ تاریخ حکم: ۱۲/دسامبر ۱۹۹۶ (۲۱/آذر ۱۳۷۵)

هیئت قضات: بجّاوی (رئیس)، شعیبیل (نایب رئیس)، اودا (نایب رئیس)، گیوم، شهاب‌الدین، ویرامانتری، رانجوا، هرزگ، شای، فلشهاور، کوروما، ورسشیتن، فراری براوو، هیگنز، پارا، ارانگون (قضات عضو) - فرانسواریگو (قاضی اختصاصی جمهوری اسلامی ایران) - والنسیا اوسپینا (مدیر دفتر وثبت دیوان)

متن حکم

در دعوی سکوهای نفتی، بین جمهوری اسلامی ایران (خواهان) و ایالات متحده آمریکا (خواننده)، دیوان بین‌المللی دادگستری متشکل از قضات فوق، پس از شور به شرح زیر مبادرت به صدور رای می‌کند.

۱- در ۲ نوامبر ۱۹۹۲، دولت جمهوری اسلامی ایران (ازاین پس "ایران" نامیده می‌شود) درخواستی متضمن طرح دعوی علیه دولت ایالات متحده آمریکا (ازاین پس "آمریکا" نامیده می‌شود) نزد دیوان ثبت کرده که راجع است به "اختلافات ناشی از حمله به سه سکوی تولید نفت متعلق به و تحت اداره شرکت ملی نفت ایران و انهدام آنها توسط ناوهای نیروی دریائی آمریکا که به ترتیب در تاریخهای ۱۹/اکتبر ۱۹۸۷ و ۱۸/آوریل ۱۹۸۸ صورت گرفته است." ایران مدعی است که این اقدامات آمریکا "نقض اساسی" شروط و مواد متعدد عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی منعقد شده بین ایران و آمریکا که بتاريخ ۱۵/اوت ۱۹۵۵ در تهران امضا و در ۱۶/ژوئن ۱۹۵۷ لازم‌الاجرا شده است (ازاین پس "عهدنامه مودت" نامیده می‌شود) و نیز نقض اساسی حقوق بین‌الملل بشمار می‌رود. ایران برای اثبات صلاحیت دیوان به ماده ۲۱ (بند ۲) عهدنامه مودت استناد جسته است.

۲- دفتر دیوان، درخواست ایران را طبق ماده ۴۰ (بند ۲) اساسنامه دیوان، فوراً به آمریکا ابلاغ کرده است و طبق بند ۳ همان ماده به کلیه دولتهایی که حق دارند نزد دیوان حاضر شوند نیز اطلاع داده

شده است.

۳- رئیس دیوان طی دستور مورخ ۴/دسامبر ۱۹۹۲، تاریخ ۳۱/مه ۱۹۹۳ را برای مهلت ثبت لایحه دادخواست تفصیلی ایران و تاریخ ۳۰/نوامبر ۱۹۹۳ را بعنوان مهلت پاسخ (لایحه دفاعیه) آمریکا تعیین نموده است.

۴- رئیس دیوان طی دستور ۳/ژوئن ۱۹۹۳، به درخواست ایران مهلت ثبت دادخواست تفصیلی ایران را تمدید نموده که به موجب همان دستور مهلت ثبت پاسخ آمریکا نیز تمدید شده است. ایران، در ۱۶/دسامبر ۱۹۹۳ دادخواست تفصیلی خود را در مهلت مقرر، صحیحاً ثبت کرده است.

۵- آمریکا نیز ظرف مهلت مقرر لایحه پاسخ خود را ثبت کرده ولی ضمن آن مستنداً به ماده ۷۹ (بند ۱) قواعد دیوان پاره‌ای ایرادات مقدماتی در مورد صلاحیت دیوان طرح نموده است. متعاقباً، رئیس دیوان طی دستور مورخ ۱۸/ژانویه ۱۹۹۴، با اشاره به اینکه (به لحاظ ایراد مقدماتی صلاحیتی آمریکا طبق ماده ۷۹ (بند ۳) قواعد دیوان، رسیدگی ماهوی متوقف می‌شود، تاریخ ۱/ژوئیه ۱۹۹۴ را بعنوان مهلت ایران برای ارائه و ثبت "ملاحظات و نظرات" خود در مورد ایرادات مقدماتی آمریکا، تعیین کرده است. ایران سرانجام در موعد مقرر لایحه "ملاحظات و نظرات" خود را ثبت نموده و در نتیجه پرونده برای استماع شفاهی از حیث ایرادات مقدماتی صلاحیتی معدوم می‌شده است.

۶- چون در هیئت قضات دیوان، قاضی ایرانی حضور نداشته ایران از حق خود تحت ماده ۳۱ (بند ۲) اساسنامه دیوان برای داشتن قاضی منتخب خود استفاده نموده و فرانسواریگو را برای این منظور منصوب و معرفی کرده است.

۷- دیوان در اجرای ماده ۵۳ (بند ۲) قواعد دیوان، لوائح طرفین و ضمائم آنها را از تاریخ شروع استماع شفاهی و رسیدگی به ایرادات مقدماتی، در اختیار عموم قرار داده است.

۸- جلسه استماع علنی دیوان در تاریخهای ۱۶ تا ۱۴/سپتامبر ۱۹۹۶ تشکیل و دیوان اظهارات شفاهی و پاسخ‌های طرفین را که توسط افراد زیر ارائه گردید، استماع نمود:

از جانب آمریکا:

مایکل مایتسون، فرمانده رونالدنوباو، آندره لوفلد، جان کروک، شون مورفی، جک کروسکی.

ازجانب ایران :

زاهدین لباف ، زین‌الدین ، رادمن باندی ، لویگی کوندرولی ، جیمز کرافورد .

در جلسه استماع، قضات سئوالاتی از طرفین نمودند که پس از ختم جلسه بصورت کتبی پاسخ دادند. ایران نیز، مطابق ماده ۷۲ قواعد دیوان نظرات کتبی خود را در مورد پاسخهای آمریکا به یکی از سئوالات را به دیوان ارائه نمود.

۹- ایران در درخواست اولیه خود، خواسته‌های زیر را مطرح نموده است:

"با توجه به مراتب فوق و ضمن حفظ حق تکمیل و اصلاح مراتب بعروض بهر نحو که رسیدگی به پرونده در مراحل آتی اقتضا نماید، جمهوری اسلامی ایران محترماً از دیوان درخواست می‌کند به شرح زیر مبادرت به صدور رأی و اعلام کند که :

الف) دیوان طبق عهدنامه مودت صلاحیت رسیدگی به اختلافات مطروحه و صدور حکم و در مورد ادعاهای ایران را دارد.

ب) ایالات متحده آمریکا با حمله به سکوهای نفتی ایران و انهدام آنها در تاریخهای ۱۹/ اکتبر ۱۹۸۷ و ۱۸/ آوریل ۱۹۸۸ به شرحی که در درخواست ایران ذکر شد تعهدات خود را در قبال ایران، منجمله تعهدات خود تحت مواد ۱ و ۱۰ (بند ۱) عهدنامه مودت و نیز تکالیف خود تحت حقوق بین‌الملل را نقض کرده است.

ج) ایالات متحده با اتخاذ موضع و رفتاری آشکارا خصمانه و تهدیدآمیز نسبت به جمهوری اسلامی ایران که منجر به حمله و انهدام سکوهای نفتی ایران شده "موضوع و مقصود" عهدنامه مودت، منجمله ماده ۱ و ۱۰ (بند ۱) آن، و نیز حقوق بین‌الملل را نقض کرده است.

د) ایالات متحده متعهد و مکلف است خسارات جمهوری اسلامی ایران را که ناشی از نقض تعهدات حقوقی بین‌المللی آن دولت است، به مبلغی که دیوان در مراحل بعدی رسیدگی تعیین خواهد نمود، جبران نماید. جمهوری اسلامی ایران حق خود را برای و ارائه ارزیابی دقیقی از خساراتی که جبران آن بعهدہ آمریکا است محفوظ می‌دارد.

ه) هرگونه [خواسته] جبرانی دیگر که دیوان مناسب و مقتضی بداند.

۱۰- طرفین در لوائح کتبی خود مراتب زیر را به دیوان تسلیم و اعلام کرده‌اند.

از جانب جمهوری اسلامی ایران:

در لایحه دادخواست تفصیلی خود ایران موارد زیر را از دیوان تقاضا نموده:

"در پرتو واقعیات و مباحثی که ارائه شد، دولت جمهوری اسلامی ایران از دیوان تقاضا دارد رسیدگی و اعلام کند که:

(۱) دیوان، طبق عهدنامه مودت صلاحیت رسیدگی به اختلافات و صدور حکم نسبت به ادعاهای مطروحه ایران را دارد.

(۲) ایالات متحده آمریکا با حمله و انهدام سکوه‌های نفتی ایران در تاریخهای ۱۹/ اکتبر ۱۹۸۷ و ۱۸/ آوریل ۱۹۸۸ به شرحی که در درخواست ایران ذکر شد، تعهدات خود در قبال ایران، منجمه تعهدات خود تحت ماده ۱، و ماده ۴ (بند ۱) و ماده ۱۰ (۱) عهدنامه مودت و نیز تحت حقوق بین الملل را نقض کرده، و ایالات متحده آمریکا به لحاظ حمله‌های مذکور مسئولیت دارد.

(۳) بدین قرار، ایالات متحده متعهد و مکلف است خسارات جمهوری اسلامی ایران را که ناشی از نقض تعهدات بین المللی حقوقی آن دولت است و صدماتی را که بهمین علت وارد کرده، به شکل و کیفیت و مبلغی که دیوان در مراحل بعدی رسیدگی تعیین خواهد نمود، بطور کامل جبران کند.

(۴) هرگونه [خواسته] جبرانی دیگر که دیوان مناسب و مقتضی بداند."

از جانب ایالات متحده:

ایالات متحده آمریکا در لایحه ایرادات مقدماتی خود چنین درخواست نموده:

"ایالات متحده آمریکا از دیوان تقاضا دارد که ایراد آمریکا به صلاحیت دیوان را وارد تلقی کند و از رسیدگی به پرونده امتناع ورزد."

ایران هم در لایحه "ملاحظات و نظرات پیرامون ایرادات مقدماتی (صلاحیتی) آمریکا" درخواست کرده: "باتوجه به واقعیات و مباحث مطروحه، دولت جمهوری اسلامی ایران از دیوان تقاضا دارد رأی دهد که:

(۱) ایرادات مقدماتی آمریکا تماماً مردود است.

۲) در نتیجه، دیوان طبق ماده ۲۱ (بند ۲) عهدنامه مودت صلاحیت رسیدگی به ادعاهای مطروحه ایران را که در درخواست اولیه و نیز لایحه دادخواست تفصیلی او آمده، دارد زیرا ادعاهای مذکور ناظر به اختلاف طرفین در مورد تفسیر و اجرای عهدنامه مودت است.

۳) بعنوان خواسته فرعی، هرگاه دیوان ایرادات مقدماتی را آمریکا به طور کامل رد نکند، اعلام نماید که باتوجه به اوضاع واحوال پرونده، ایراد مذکور از نوع ایرادات منحصرأ مقدماتی بنحوی که در ماده ۷۹ (بند ۷) قواعد دیوان آمده، نمی‌باشد.

۴) هرگونه [خواسته] جبرانی دیگر که دیوان مناسب و مقتضی بداند.

۱۱- در طول جلسات رسیدگی شفاهی نیز طرفین مطالب زیر را به دیوان تقدیم نمودند:

دولت ایالات متحده آمریکا در جلسه مورخ ۲۳/ سپتامبر ۱۹۹۶ چنین درخواست کرد: "ایالات متحده آمریکا تقاضا دارد که ایراد آمریکا به صلاحیت دیوان در پرونده سکوهای نفتی (دعوای جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده) را وارد تلقی کند و قبول نماید."

دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در جلسه مورخ ۲۴/ سپتامبر ۱۹۹۶ اعلام کرد نظر و موضع ایران است همان است که طی لایحه "ملاحظات و نظرات" پیرامون ایرادات مقدماتی آمریکا مطرح شده است [رد ایراد عدم صلاحیت آمریکا]

* * *

۱۲- ایران در درخواست اولیه خود که طی آن طرح دعوی نموده، اظهار می‌کند که در تاریخهای ۱۹/ اکتبر ۱۹۸۷ و ۱۸/ آوریل ۱۹۸۸ تعدادی سکوهای نفتی آن کشور که در فلات قاره ایران واقع بوده و متعلق به شرکت ملی نفت ایران می‌باشد مورد حمله نیروی دریایی آمریکا قرار گرفته و منهدم شده است. ایران می‌گوید: ایالات متحده آمریکا با اتخاذ چنین روشی "تعهدات خود در قبال ایران، منجمله تعهدات موضوع مواد ۱ و ۱۰ (بند ۱) عهدنامه مودت را نقض کرده است. ایران مدعی است که افزون بر این، اقدامات آمریکا "موضوع و مقصود عهدنامه مودت و نیز حقوق بین‌الملل را نقض نموده است." ایران سپس چنین نتیجه‌گیری می‌کند که طبق ماده ۲۱ (بند ۲) عهدنامه مودت ۱۹۵۵ [۱۳۳۴ ش] دیوان صلاحیت دارد به اختلافاتی که بدینسان بین طرفین عهدنامه حادث شده، رسیدگی و آن را حل و فصل کند.

۱۳- در مراحل بعدی رسیدگی، ایران استدلالات مذکور را به نحو مشخص تری توضیح داده و در دادخواست تفصیلی خود اظهار نموده که ایالات متحده علاوه بر مواد یاد شده، ماده ۴ (بند ۱) عهدنامه مودت را نیز نقض کرده است. در طول استماع شفاهی نیز ایران اعلام کرد که: "ادعاهای آن دولت مقیداً مستند است بر سه ماده مشخص از عهدنامه مودت و دیوان می‌تواند ادعاهای مطروحه را منحصرآ بر اساس همان عهدنامه رسیدگی و تصمیم‌گیری نماید." ایران در جلسه استماع اضافه نمود که مبنای درخواست اولیه آن دولت و دعوی مطروح همان سه ماده از عهدنامه مودت است و "نه نقض موضوع و مقصود عهدنامه مودت بعنوان یک مجموعه". در مورد نقض "حقوق بین الملل عام" توسط آمریکا نیز ایران، نه از حیث موضوعیت آن بلکه از این حیث که محتوی و قلمرو تعهدات ناشی از عهدنامه مودت در پرتو حقوق بین الملل عام تعیین و تبیین می‌شود به آن استناد می‌کند. به این ترتیب، به موجب آخرین استدلالات و مباحثی که ایران ارائه کرده، ادعای آن دولت این است که آمریکا که فقط ماده ۱ و ماده ۴ (بند ۱) و ماده ۱۰ (بند ۱) عهدنامه مودت را نقض کرده است و اختلافاتی که بدین‌گونه حادث گردیده، حسب الاظهار، مطابق ماده ۲۱ (بند ۲) همان عهدنامه در حوزه صلاحیت دیوان واقع است.

۱۴- ایالات متحده نیز به نوبه خود اظهار می‌دارد که درخواست ایران هیچ ارتباطی با عهدنامه مودت ۱۹۵۵ ندارد و تاکید می‌کند که بهمین لحاظ اختلافی که بین آن کشور و ایران پیش آمده در قلمرو ماده ۲۱ (بند ۲) آن عهدنامه قرار نمی‌گیرد و از این سخن نتیجه می‌گیرد که دیوان باید به عدم صلاحیت خود رای دهد.



۱۵- در آغاز، دیوان خاطر نشان می‌کند که هیچیک از طرفین اعتراضی ندارند که عهدنامه مودت ۱۹۵۵ در تاریخ طرح و ثبت درخواست اولیه ایران لازم‌الاجرا و معتبر بوده و همچنان تاکنون معتبر است. یادآوری می‌کند که به سال ۱۹۸۰ نیز دیوان تصمیم گرفته بود عهدنامه مذکور در آن تاریخ قابل اجرا بوده (پرونده کارکنان کنسولی و دیپلماتیک ایالات متحده در تهران؛ ر.ک: حکم، گزارش آراء دیوان بین‌المللی دادگستری ۱۹۸۰، ص ۲۸، بند ۵۴)؛ و هیچکدام از اوضاع واحوالی که در پرونده حاضر دیوان معلوم و مکشوف گردیده موجب نمی‌شود که اکنون از آن نظر عدول و رجوع

نماید. حسب ماده ۲۱ (بند ۲) عهدنامه مودت :

«هر اختلافی بین طرفین معظمین متعاهدین در مورد تفسیر یا اجرای عهدنامه فعلی که از طریق دیپلماسی به نحو رضایت بخشی فیصله نیابد، به دیوان دادگستری بین‌المللی ارجاع خواهد شد مگر اینکه طرفین معظمین متعاهدین موافقت کنند که اختلاف به وسائل صلح جویانه دیگری حل شود.»

۱۶- هم‌چنین ایراد اعتراضی نشده که شروط متعددی که بموجب آن ماده مقرر گردیده، همگی برآمده و رعایت شده‌اند: بین ایران و آمریکا اختلافی حادث شده؛ فیصله این اختلاف از طریق دیپلماسی امکان‌پذیر نبوده و دولتین «برای حل و فصل آن با سایر طرق مسالمت‌آمیز»، چنانکه در ماده ۲۱ مقرر شده، به توافقی دست نیافته‌اند. اما از سوی دیگر، طرفین در این موضوع اختلاف نظر دارند که آیا اختلافات بین دولتین در مورد قانونی و مشروع بودن یا نبودن اقدامات ایالات متحده آمریکا علیه سکوهای نفتی ایران از نوع اختلافات «راجع به تفسیر و اجرای» عهدنامه مودت ۱۹۵۵ هست یا نه. برای پاسخ به این سؤال، دیوان نمی‌تواند خود را محدود به این کند که یکی از طرفین مدعی است چنین اختلافی وجود دارد و طرف دیگر منکر آن است. دیوان باید معلوم کند آیا نقض عهدنامه مودت توسط آمریکا که مورد ادعای ایران است. در قلمرو شمول مواد عهدنامه مذکور می‌گنجد یا نه، و به تبع آن، آیا چنین اختلافی از نوع اختلافاتی هست که دیوان طبق ماده ۲۱ (بند ۲) عهدنامه مذکور صلاحیت موضوعی (ratione materiae) برای رسیدگی به آن دارد، یا خیر.

۱۷- ایراد عدم صلاحیت که ایالات متحده طرح نموده مشتمل بر دو وجه است: اول ناظر است به عدم قابلیت اعمال و اجرای عهدنامه مودت ۱۹۵۵ در حالت استفاده از زور، دوم مربوط است به حوزه شمول مواد و شروط عهدنامه.



۱۸- دیوان، نخست به استدلال‌ات و اظهارات خواننده مبنی بر اینکه در موضوعات مربوط به استفاده از زور، عهدنامه مودت اعمال و اجرا نمی‌شود، می‌پردازد. در این زمینه، آمریکا مدعی است حمله و انهدام سکوهای نفتی ایران «در چارچوب یک رشته از حملات طولانی نیروهای نظامی و شبه

نظامی ایرانی به کشتی‌های آمریکایی و سایر کشتی‌های بیطرف که مشغول تجارت مسالمت‌آمیز در خلیج فارس بودند، صورت گرفته است.^۱ به نظر خواننده "مهم نیست که موارد مخاصمات مسلحانه چگونه توصیف شود"، اساساً اختلاف حاضر ناظر و مربوط است به مشروع و قانونی بودن اقدامات نیروی دریایی آمریکا که "در عملیات نظامی درگیر بودند".^۲ بعلاوه، هدف عهدنامه‌های مودت، تجارت و دریانوردی عبارت است از فراهم کردن "حمایت از اموال و منافع اتباع و شرکتهای آمریکایی در سرزمین کشور طرف مقابل و تضمین رفتاری منصفانه و بدون تبعیض در اشتغال ایشان به فعالیت‌های تجاری، صنعتی و مالی در آن کشور، در مقابل تضمین و اطمینان مشابه برای اتباع همان کشور در ایالات متحده آمریکا. مطلب ساده است، بین این قبیل مواد و شروط عهدنامه مودت که تماماً طبع تجاری و کنسولی دارند با آنچه در درخواست اولیه و نیز دادخواست تفصیلی ایران آمده و منحصرأ مبتنی بر غیر مشروع و غیر قانونی بودن استفاده از نیروهای مسلح [آمریکا] است، هیچ‌گونه ارتباطی وجود ندارد."^۳

بنظر آمریکا، در واقع ادعاهای ایران مسائل مربوط به استفاده از زور را مطرح می‌کند در حالیکه این نوع موضوعات در حوزه شمول عهدنامه مودت ۱۹۵۵ نمی‌گنجد. بهمین دلیل است که گفته حسب الاظهار، دیوان فاقد صلاحیت رسیدگی به ادعای خواهان [ایران] است.

۱۹- ایران در لایحه "ملاحظات و نظرات پیرامون ایرادات مقدماتی آمریکا"، اظهار می‌دارد که اختلافی که بین طرفین حادث شده مربوط است به تفسیر و اجرای عهدنامه مودت ۱۹۵۵. ایران، بهمین لحاظ درخواست می‌کند که ایراد عدم صلاحیت آمریکا مردود اعلام شود، یا اگر بطور کامل رد نشود، بعنوان یک درخواست فرعی ایران تقاضا دارد اعلام شود که ایراد مذکور فاقد خصلت منحصرأ^۴ مقدماتی به معنایی که در ماده ۷۹ (بند ۷) قواعد دیوان آمده، می‌باشد.

۲۰- دیوان، در مرحله نخست توجه دارد که در عهدنامه مودت ۱۹۵۵ شرطی وجود ندارد که بعضی موضوعات را از صلاحیت دیوان صریحاً خارج کرده باشد. در واقع، ماده ۲۰ (بند ۱-د) آن مقرر نموده: "عهدنامه فعلی مانع اجرای اقدامات ذیل نخواهد بود:

د- اقدامات لازم جهت ایفای تعهدات یک طرف معظم متعاهد برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت

بین المللی یا جهت حفظ منافع اساسی طرف مزبور از لحاظ امنیت."^۵

این ماده را می‌توان اینگونه تفسیر کرد که پاره‌ای اقدامات را از قلمرو شمول واقعی و عملی عهدنامه خارج می‌کند و در نتیجه صلاحیت دیوان را برای ارزیابی و رسیدگی به مشروعیت و قانونی بودن چنین اقداماتی را استثناء می‌نماید. اما در عین حال، می‌توان ماده مذکور را اینگونه فهمید که در واقع ناظر به دفاع ماهوی [نه صلاحیتی] است. دیوان طی حکم مورخ ۲۷/ ژوئن ۱۹۸۶ صادره در پرونده مربوط به عملیات شبه نظامی و نظامی در نیکاراگوئه (دعوی نیکاراگوئه علیه ایالات متحده)، در مقام اعمال ماده مشابهی که در عهدنامه مودت، تجارت و دریانوردی منعقد شده بین ایالات متحده و نیکاراگوئه مورخ ۲۱/ ژانویه ۱۹۵۶ آمده بود، همین تفسیر و برداشت دوم را پذیرفته است (ر.ک: مجموعه گزارش‌های دیوان بین‌المللی دادگستری ۱۹۸۶، ص ۱۱۶، بند ۲۲۲، نیز ص ۱۳۶ بند ۲۷۱ حکم). در پرونده حاضر، ایران استدلال می‌کند که دیوان باید از ماده ۲۰ (بند ۱-د) عهدنامه مودت نیز همان تفسیر را بعمل آورد. آمریکا به نوبه خود در آخرین اظهاراتش بیان کرده که "بررسی و تفسیر و اعمال ماده ۲۰ (بند ۱-د) یک مساله مربوط به ماهیت است." دیوان دلیلی نمی‌بیند که نتیجه‌گیری را که در سال ۱۹۸۶ [در پرونده نیکاراگوئه] به آن دست یافته بود، عوض کند. بنابراین به نظر دیوان ماده ۲۰ (بند ۱-د) صلاحیت آن را در پرونده حاضر محدود نمی‌سازد، بلکه قلمرو این ماده محدود است به پیش نهادن یک دفاع مهوی برای طرفین که هرگاه موقعیت آن پیش آید، می‌توانند از آن دفاع استفاده کنند.

۲۱- عهدنامه مودت ۱۹۵۵ تعهدات گوناگونی را در موضوعات مختلف بر عهده هر کدام از طرفین می‌نهد. هر اقدامی از ناحیه هریک از طرفین که با این تعهدات منطبق و همخوان نباشد غیر مشروع و غیر قانونی است، صرف‌نظر از اینکه آن اقدام با چه وسیله‌ای به منصفه ظهور رسیده باشد. نقض حقوق یکی از طرفین تحت عهدنامه مودت، از طریق استفاده از زور نیز غیر مشروع و غیر قانونی است زیرا نقضی است که از طریق تصمیمات اداری [دولتی] یا هر طریق دیگری صورت گرفته است. بنابراین به موضوعات مربوط به استفاده از زور فی‌نفسه بیرون از شمول عهدنامه مودت ۱۹۵۵ قرار نمی‌گیرد. علیهذا، استدلالاتی که ایالات متحده در این زمینه مطرح نموده، باید مردود اعلام شود.

۲۲- در مرحله دوم، طرفین در تفسیری که از ماده ۱، ماده ۴ (بند ۱) و ماده ۲۰ (بند ۱) عهدنامه مودت بدست می‌دهند اختلاف نظر دارند. بنظر ایران، اقداماتی که به ادعای آن دولت متوجه آمریکا

است، طوری است که، نقض مواد مذکور عهدنامه مودت را نتیجه می‌دهد و از این رو دیوان صلاحیت رسیدگی به درخواست ایران را دارد. اما بنظر ایالات متحده، چنین نیست.

۲۳- دیوان یادآوری می‌کند که مطابق حقوق بین‌الملل عرفی چنانکه در ماده ۳۱ کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات مورخ ۲۳/ مه ۱۹۶۹ آمده، عهدنامه باید با حسن نیت و برحسب معانی معمولی که کلمات در فحوای کلام و حملات دارند و نیز در پرتو موضوع و مقصود عهدنامه تفسیر شود. به موجب ماده ۲۳ عهدنامه دین می‌توان به ابزارهای تکمیلی تفسیر از قبیل کارهای مقدماتی یا اوضاع و احوالی که عهدنامه در آن تهیه و منعقد شده، نیز برای تفسیر مراجعه کرد.

۲۴- ماده ۱ عهدنامه مودت مقرر نموده: "بین ایران و دول متحده آمریکا صلح استوار و پایدار و دوستی صمیمانه برقرار خواهد بود."

۲۵- ایران مدعی است که این ماده "صرفاً بیان یک توصیه یا علاقه نیست، بلکه یک سلسله تکالیف عملی را بر عهده دولتین متعاهدین می‌گذارد و آنها را متعهد می‌سازد که روابط دوستانه و مسالمت‌مستمری برقرار نمایند." حسب اظهار، این تفسیر برخاسته و لازمه مضمون عهدنامه است و باید با توجه به اوضاع و احوالی که عهدنامه در آن منعقد شده، به اجرا در آید. این تفسیر را ایران بعنوان تنها تفسیری که می‌تواند به ماده ۱ معنای موثری بدهد، بیان کرده است. به این ترتیب، این ماده طرفین را مکلف می‌سازد که "در برخورد و رفتار خود با طرف مقابل ... حداقل شرط لازم را مطابق با اصول و قواعد حقوق بین‌الملل عام در زمینه روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز" و بویژه مطابق با مواد و شروط منشور ملل متحد و حقوق عرفی در مورد استفاده از زور و نیز قطعنامه شماره ۲۵ (۲۶۲۵) مجمع عمومی سازمان ملل در مورد روابط دوستانه، رعایت کنند. از نظر ایران "هرگونه نقض قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در باب تهدید و استفاده از زور، نیز در باب روابط دوستانه بین دولت‌ها از جانب یکی از طرفین بر علیه طرف دیگر، در عین حال نقض عهدنامه مودت نیز بشمار می‌آید."

با این استدلال است که ایران می‌گوید دیوان صلاحیت دارد به مساله مشروعیت و قانونی بودن اقدامات نظامی ایالات متحده از حیث ماده ۱ عهدنامه مودت و از آنجا در رابطه با حقوق بین‌الملل عام که در مضامین عهدنامه منعکس و نهفته است، رسیدگی کند.

۲۶- ایالات متحده، برعکس بر این عقیده است که ایران "در تفسیر ماده ۱ بسیار دور می‌رود". به نظر

خوانده، این ماده "متضمن هیچ ضابطه و معیاری نیست" بلکه نوعی "ترجمان علائق و خواسته‌ها است." با توجه به مضمون متن و به لحاظ وصف "صرفاً تجاری و کنسولی" عهدنامه است که این تفسیر مطرح می‌شود. اظهار شده که این تفسیر با قصد مشترک طرفین منطبق است و اوضاع و احوالی که عهدنامه تحت آن منعقد شده و رویه عملی متعاقب طرفین نیز موید آن است. آمریکا ادامه می‌دهد که در پرونده حاضر، اقدامات و رفتار آن دولت [در برابر ایران] نمی‌تواند در پرتو مفاد ماده ۱ مذکور ارزیابی شود. حسب الاظهار آمریکا، دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعاهای دبیران که براساس این ماده طرح شده، ندارد.

۲۷- ماده ۱ عهدنامه مودت می‌گوید: بین دولتین متعاهدین "صلح استوار و پایدار و دوستی صمیمانه برقرار خواهد بود." بنظر دیوان، چنین بیان عام و کلی نمی‌تواند مجرد و منتزاع از موضوع و هدف عهدنامه‌ای که این عبارت در آن درج شده، تفسیر شود.

بعضی عهدنامه‌های مودت وجود دارند که نه تنها حاوی موادی با مضمون مشابه آنچه در ماده ۱ آمده می‌باشند بلکه افزون بر این حاوی شروطی هستند که هدف آنها توضیح و تشریح شرائط و نحوه اعمال و اجرای آن است مانند اشاره صریح به بعضی مواد منشور ملل متحد؛ تبادل نظر و مشورت بین طرفین در پاره‌ای شرائط خاص، بویژه در صورت وقوع درگیری مسلحانه با یک دولت ثالث؛ با همکاری طرفین در صورتیکه با کشورهای همجوار مشکلی پیدا کنند. بعنوان نمونه، می‌توان به عهدنامه مودت و حسن همجواری بین جمهوری فرانسه و پادشاهی لیبی مورخ ۱۰/۱۰/۱۹۹۵ اشاره نمود که دیوان فرصتی یافت در حکم مورخ ۳/ فوریه ۱۹۹۴ خود صادر در پرونده "اختلافات سرزمینی" (دعوی بین جمهوری عربی لیبی و چاد، گزارش آراء دیوان بین‌المللی دادگستری ۱۹۹۴، ص ۶)، آن را تفسیر نماید. معذک این مطلب، ناظر به پرونده حاضر نیست.

ماده ۱ مورد بحث نه در عهدنامه‌ای از قبیل نمونه مذکور، بلکه در یک عهدنامه "مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی" درج شده که موضوع آن مطابق آنچه در مقدمه آن آمده، عبارت است از "تشویق بازرگانی و سرمایه‌گذاری‌هایی که به نفع هر دو طرف است و بطور کلی ایجاد روابط اقتصادی نزدیکتر"، و هم‌چنین "تحت نظم و قاعده در آوردن مناسبات کنسولی" بین دو دولت. عهدنامه مودت ناظر است به تنظیم و قانونمند کردن شرایط اقامت اتباع هریک از طرفین در قلمرو سرزمین طرف

دیگر (ماده ۲)، وضع و موقعیت شرکتها [طرفین] و دسترسی آنها به محاکم و داوری (ماده ۳)، حمایت اتباع و شرکتهای هریک از طرفین متعاهدین و نیز اموال و موسسات تجاری آنها (ماده ۴)، شرائط خرید و فروش غیرمنقول و حمایت از حقوق معنوی (ماده ۵)، سیستم مالیاتی (ماده ۶)، سیستم نقل و انتقالات پولی (ماده ۷)، حقوق گمرکی و سایر محدودیت‌های وارداتی (ماده ۸ و ۹)، آزادی تجارت و دریانوردی (ماده ۱۰ و ۱۱) و بالاخره حقوق و وظائف کنسولی (ماده ۱۲ و ۱۳).

۲۸- حاصل آنکه، موضوع و هدف عهدنامه مودت تنظیم و قانونمند کردن روابط دوستانه مسالمت‌آمیز بین دو دولت بمعنای عام آن نبوده است. نتیجتاً، ماده ۱ نمی‌تواند اینگونه تفسیر شود که گویی تمام شروط حقوق بین‌الملل در مورد روابط دوستانه مسالمت‌آمیز را در عهدنامه قید و داخل کرده است. بلکه، با درج عباراتی از قبیل آنچه در ماده ۱ آمده در متن عهدنامه، قصد دو دولت آن بوده که تاکید کنند صلح و دوستی شرط مقدم توسعه هماهنگ مناسبات کنسولی، مالی و تجاری آنها است و نیز تاکید اینکه توسعه‌ای از اینگونه، به نوبه خود موجب تحکیم چنین صلح و دوستی خواهد شد. بنابراین، ماده ۱ را باید اینگونه تلقی کرد که در مقام تثبیت مقصدی است که سایر شروط و مفاد عهدنامه باید در پرتو آن مقصد تفسیر و اجرا شود.

این استنتاج، همسو و منطبق است با آنچه دیوان در سال ۱۹۸۶ و هنگام تفسیر عهدنامه مودت ۱۹۵۶ بین آمریکا و نیکاراگوئه به آن دست یافته بود و در یک بیان کلی، گفته بود:

“وقتی یک عهدنامه مودت مطرح است باید تفکیک قائل شد ... بین مجموعه وسیعی از اعمال و اقدامات غیر دوستانه و مجموعه محدودتری از اقدامات که مخالف موضوع و هدف آن عهدنامه است. این موضوع و هدف عبارت است از اجرای موثر روابط دوستی در زمینه خاصی که عهدنامه مقرر کرده نه دوستی به معنای کلی و مبهم.” (گزارش آراء دیوان، ۱۹۸۶، ص ۱۳۷، بند ۲۷۳).

۲۹- اکنون دیوان باید توجه خود را به مدارکی معطوف کند که طرفین در دفاع از موضع خود در خصوص معنایی که باید به ماده ۱ عهدنامه داده شود، ارائه کرده‌اند. در این باب، می‌توان گفت که اگر این ماده همان معنایی را داشته باشد که ایران برای آن قائل است، طرفین می‌بایست حین مذاکرات یا حین تصویب عهدنامه [در سطح داخلی کشور خود] ملتفت آن بوده باشند و به اهمیت آن اشاره‌ای کرده باشند. اما دیوان هیچ مدارکی از ناحیه ایران که در تأیید این مطلب باشد در دست

ندارد. از نظر مدارک آمریکایی که هر دو طرف به دیوان داده‌اند نیز، هیچگاه ایالات متحده ماده ۱ را حامل چنان معنایی که اینک خواهان به آن اعطا می‌کند، تلقی نکرده است. ماده‌ای از قبیل ماده ۱ عهدنامه مودت، پس از پایان جنگ دوم جهانی در چهار عهدنامه مودت، روابط تجاری یا اقتصادی که ایالات متحده منعقد نموده، درج شده است، یعنی عهدنامه‌هایی که آمریکا با چین، اتیوپی، ایران؛ نیز عمان و مسقط امضا کرده است. در واقع، در طول مذاکره با چین، وزارت خارجه ایالات متحده در یادداشتی که به سفارت خود در شائوپینگ ارسال نمود، اشاره کرده که اگر چنین ماده‌ای در عهدنامه‌های مشابه که آمریکا منعقد کرده، متداول نیست، معذک، "بخاطر روابط سیاسی نزدیکی که بین چین و آمریکا وجود دارد." درج آن در این مورد موجه است. اما در طول بحثهایی که برای تصویب این چهار عهدنامه در سنای آمریکا انجام شده، برحسب مدارکی که به دیوان ارائه شده، ماده ۱ مورد بحث هیچ‌گونه توجه خاصی را برنیا نگیخته است. تنها در پیامی از وزیر خارجه آمریکا که طی آن عهدنامه مودت با اتیوپی را به سنا تقدیم نموده، پس از اشاره به ماده مورد نظر، خاطر نشان شده که "این ماده، گرچه در عهدنامه‌های اخیر مودت، تجارت و دریانوردی درج نشده، اما در راستای ماهیت و ویژگی چنین عهدنامه‌هایی است و هدف آن تاکید بر خصلت اساساً دوستانه عهدنامه می‌باشد." در مورد شرط حل و فصل اختلافات [توسط دیوان بین‌المللی دادگستری] که در اغلب عهدنامه‌های مودت و تجارت که آمریکا پس از ۱۹۴۵ منعقد نموده، آمده نیز وزارت خارجه آن کشور بطور مستمر و یکنواخت آن را چنین تلقی نموده که "محدود است به اختلافاتی است که مستقیم و بلاواسطه از همان عهدنامه خاص و ذیربط ناشی شود"، زیرا این عهدنامه‌ها به "موضوع اساسی و شناخته شده‌ای" می‌پردازد که "هم اکنون یک مرجع مستقر برای تفسیر آن وجود دارد."

۳۰. رویه‌ای که طرفین بعداً در مقام اجرای عهدنامه مودت اتخاذ کرده‌اند، هیچ نتیجه‌گیری متفاوتی را اقتضا نمی‌کند. ایالات متحده در دعاوی که با ایران داشته به این ماده استناد نکرده، و بویژه در پرونده کارکنان کنسولی و دیپلماتیک آمریکا در تهران نیز به متن ماده مذکور ارجاع و استنادی ننموده است، همچنانکه ایران هم برای نمونه در دعوی حادثه هوایی ۳/ ژولای ۱۹۸۸ به ماده ۱ عهدنامه مودت استناد نکرده است.

۳۱. با توجه به مطالب فوق، بنظر دیوان مقاصد و هدف صلح و دوستی که ماده ۱ عهدنامه مودت

متضمن آن است به گونه ای است که تفسیر سایر مواد عهدنامه، بخصوص مواد ۴ و ۱۰ باید در پرتو آن صورت گیرد. بنابراین ماده ۱ مذکور از حیث چنین تفسیری البته خالی از اهمیت حقوقی نیست، اما اگر بالاستقلال و بطور انتزاعی در نظر گرفته شود، نمی تواند مبنائی برای صلاحیت دیوان به دست دهد.

۳۲- ماده ۴ (بند ۱) عهدنامه مودت می گوید :

"هریک از طرفین معظمین متعاهدین در تمام مواقع نسبت به اتباع و شرکتهای طرف معظم متعاهد دیگر و اموال و موسسات ایشان رفتار منصفانه و عادلانه مرعی خواهد داشت و از اتخاذ اقدامات غیر معقول و تبعیض آمیزی که به حقوق و منافع مکتسبه قانونی ایشان لطمه ای وارد آورد، خودداری خواهد نمود و برای اجرای حقوق قانونی آنان که در نتیجه قرارداد به دست آمده باشد، وسائل موثری طبق قوانین مربوط تهیه و تامین خواهد کرد."

۳۳- ایران مدعی است متن ماده ۴ هر یک از طرفین را متعهد می سازد "رفتار منصفانه و عادلانه ای" در مورد اتباع و اموال طرف دیگر معمول دارد و از اعمال هرگونه "اقدامات غیر معقول و تبعیض آمیز" نسبت به ایشان، در هر جا که واقع باشند، امتناع ورزد. ایران اظهار می دارد دیوان صلاحیت دارد مشروعیت و قانونی بودن اقدامات مسلحانه ایالات متحده آمریکا را با توجه به ماده مذکور، ارزیابی نماید.

۳۴- ایالات متحده، برعکس عقیده دارد "ماده ۴ (بند ۱) ناظر است به رفتار هر یک از دولتین نسبت به اتباع و شرکتهای طرف دیگر که برای مقاصد تجاری یا خصوصی داخل سرزمین آن دولت واقع باشد". آمریکا می گوید ماده مذکور "نمی تواند طوری تفسیر شود که حاوی التزام و تضمین فراگیر از جانب هر یک از دولتین باشد به نحوی که از هرگونه خسارت به اتباع و شرکتهای طرف دیگر خودداری خواهد کرد". آمریکا خاطر نشان می سازد اقداماتی که حسب ادعا از جانب او بعمل آمده ارتباطی به اتباع و شرکتهای ایرانی که در سرزمین آمریکا قرار دارند، ندارد. بنظر آمریکا، این یعنی در پرونده حاضر، عملکرد و رفتار آن دولت از حیث مفاد ماده ۴ (بند ۱) عهدنامه مودت به طور کلی ارزیابی و سنجیده شود. بدینسان، حسب اظهار آمریکا دیوان صلاحیت ندارد به ادعاهای ایران که مبتنی بر ماده یاد شده می باشد، رسیدگی کند.

۳۵- دیوان در وهله نخست، ملاحظه می‌کند که بند ۱ ماده ۴، برخلاف بندهای دیگر ماده مذکور از حیث قلمرو سرزمینی محدودیتی ندارد. بهمین دلیل، تضمینی که بند ۱ ماده مذکور فراهم نموده، حوزه شمول وسیع‌تری از تعهدات خاصی که در سایر بندهای ماده مذکور در زمینه [منع] مصادره، یا اقدام و مداخله در اموال یا در مدیریت موسسات تجاری آمده است، دارد. در نتیجه، دیوان نمی‌تواند استدلال ایالات متحده را بپذیرد.

۳۶- معذک، دیوان نمی‌تواند استدلال و نظر ایران را هم بپذیرد. ماده ۴ (بند ۱) مقرر نموده اتباع و شرکتهای هریک از دولتین متعاهدین، نیز اموال و موسسات تجاری ایشان بایستی موضوع رفتار منصفانه و عادلانه دولت دیگر قرار گیرد. این ماده اقدامات غیر معقول و تبعیض‌آمیزی که به پاره‌ای حقوق و منافع چنین اتباع و شرکتهایی صدمه زند، ممنوع می‌کند. ماده مذکور در پایان می‌گوید حقوق مکتسب قراردادی ایشان نیز بایستی از وسایل اجرائی موثر برخوردار باشند. مقصد و هدف این ماده عبارت است از تعیین طریقه‌ای که هراز دولتین بایستی در مقام رفتار با اشخاص حقیقی و حقوقی ذیربط که مشغول فعالیت‌های شغلی و خصوصی می‌باشند، اتخاذ کنند. به بیان دیگر، شروط تفصیلی مندرج در ماده مذکور ناظر است به رفتار هریک از دولتین با اتباع و شرکتهای طرف دیگر، و نیز با اموال و موسسات تجاری ایشان. چنین رفتاری شامل اعمال و اقداماتی که ایالات متحده علیه [دولت] ایران معمول داشته و در این پرونده مطرح است، نمی‌شود. بدین‌قرار، ماده ۴ (بند ۱) هیچگونه مبنا یا هنجاری که در این پرونده خاص قابل اعمال باشد، وضع نکرده است و لذا نمی‌تواند مبنائی برای صلاحیت دیوان بدست دهد.

۳۷- باقی می‌ماند بررسی این مطلب که از حیث صلاحیت دیوان، چه نتایجی می‌توان از ماده ۱۰ (بند ۱) عهدنامه مودت می‌توان استنباط نمود. این ماده مقرر کرده: "بین قلمروهای طرفین معظمین متعاهدین آزادی تجارت و دریانوردی برقرار خواهد بود."

۳۸- از جانب خواهان ادعائی نشده که اقدامات نظامی بر آزادی دریانوردی او اثر نهاده باشد. بنابراین، آنچه که دیوان باید از حیث تعیین صلاحیت خود در مورد آن تصمیم بگیرد آن است که آیا اقدامات آمریکا که مورد شکایت ایران است بالقوه معدّ آن بوده که بر "آزادی تجارت"، چنانکه به موجب ماده مذکور تضمین شده، اثر نهد یا نه.

۳۹- ایران استدلال می‌کند که ماده ۱۰ (بند ۱) فقط متضمن تجارت دریایی نیست بلکه ناظر به تجارت به نحو اطلاق است، که از آن بدون هیچگونه محدودیت از حیث قلمرو سرزمینی حمایت می‌کند، و اینکه ماده مذکور بجز فعالیت‌های خرید و فروش شامل فعالیت‌های آماده‌سازی کالا برای مبادله و صدور که مقدم بر خرید و فروش است، نیز می‌شود. بعنوان نتیجه، ایران اظهار می‌کند دیوان صلاحیت دارد به مشروعیت و قانونی بودن اقدامات مسلحانه آمریکا در پرتو این ماده رسیدگی کند.

۴۰- ایالات متحده به نوبه خود عقیده دارد که قضیه چنین نیست و در حمایت از نظر خود، تفسیر مضیق تری از واژه "تجارت" مذکور در ماده مورد بحث ارائه می‌کند. طبق نظر آمریکا این واژه باید طوری تفسیر شود که محدود باشد به تجارت دریایی، منحصر باشد به تجارت بین ایران و آمریکا و است فقط به موارد عملی و واقعی [ونه بالقوه] مبادله کالا معطوف گردد.

۴۱- دیوان، حقیقتاً باید برای این واقعیت ارزش و جایگاه مقتضی قائل شود که بعد از بند ماده ۱۰ که در آن واژه "تجارت" آمده، بقیه ماده آشکارا ناظر به تجارت دریایی است. با اینهمه، بنظر دیوان این مقدار هنوز کفایت نمی‌کند که حوزه معنای این واژه را به تجارت دریایی مقید کنیم، بویژه با توجه به اینکه در عهدنامه شواهدی از قصد طرفین وجود دارد که معطوف به تجارت و بازرگانی بطور کلی است. در همین خصوص، دیوان هم‌چنین به تذکارهایی که در ماده ۲۲ عهدنامه آمده، توجه می‌کند که به موجب آنها عهدنامه مودت، منجمله جایگزین قرارداد موقت مربوط به تجارت و مناسبات دیگر منعقد در تهران به تاریخ ۱۴/ مه ۱۹۲۸ شده است. بنابراین، عهدنامه مودت ۱۹۵۵ راجع است به تجارت و بازرگانی بطور کلی و نه عهدنامه‌ای که مقیداً منحصر به تجارت دریایی باشد.

۴۲- هم‌چنین باید طیف کامل فعالیت‌هایی که عهدنامه به آنها پرداخته، مورد بررسی قرار گیرد. مثلاً اشاره ماده ۴ به آزادی شرکتها در اشتغال به فعالیت‌های خود، برخورداری [اتباع و شرکتها] از حق نظارت پیوسته بر موسسات تجاری خود و نیز اداره آنها، و اینکه "هرکار دیگری که برای حسن جریان امور خود لازم بداند یا بالتبع پیش آید و برای حسن جریان موثر امور لازم باشد، انجام دهند."

۴۳- در چنین اوضاع و احوالی، این نظر که واژه "تجارت" مذکور در ماده ۱۰ (بند ۱) محدود است به تجارت دریایی در نظر دیوان مقبول و مطلوب نمی‌افتد.

۴۴- دیوان لازم نمی‌داند وارد این بحث شود که آیا ماده مذکور محدود است به تجارت بین دو دولت،

طرف عهدنامه. هیچیک از طرفین اعتراضی ندارد که صدور نفت از ایران به آمریکا - تا حدودی - حداقل تا زمان انهدام اولین مجموعه سکوه‌های نفتی، جریان داشته است.

۴۵- اکنون دیوان باید به بررسی این تفسیر [آمریکا] بپردازد که طبق آن واژه "تجارت" در ماده ۱۰ (بند ۱) محدود است به خرید و فروش. برحسب این تفسیر، حمایت موضوع این ماده، شامل اقدامات مقدم بر تجارت یعنی آماده‌سازی کالا که برای انجام تجارت آن ضروری است - مانند فراهم‌سازی کالا با قصد استفاده در تجارت - نمی‌شود.

بنظر دیوان، شواهدی در دست نیست که طرفین عهدنامه قصد داشته‌اند کلمه "تجارت" را در معنایی متفاوت با آنچه این واژه معمولاً دارد، استفاده نمایند. واژه تجارت در کاربرد معمولی‌اش، فقط محدود به عمل خرید و فروش نیست، بلکه دارای مضمونی است فراتر از صرف خرید و فروش و مشتمل است بر "مجموعه معاملات، ترتیبات و غیره که در آن محاط و مندرج است".

The Oxtord English Dictionary, 1989, P. 552).

به لسان حقوقی نیز، این اصطلاح محدود به صرف خرید و فروش نیست زیرا می‌تواند حاوی عطف و اشاره باشد به "نه تنها خرید، فروش و مبادله کالا، بلکه به سازمانها [واسطه‌ها] و نمایندگی‌هایی که [امر تجارت] از طریق آنها تشویق و ترویج می‌شود و نیز به وسائل و طرقی که توسط آنها انجام می‌پذیرد، و حمل و نقل انسان و کالا، چه زمینی و چه دریائی".

(Black's Law Dictionary, st. paul Minn. West Publishing co. 1990/ P. 269).

همچنین است عبارت "تجارت بین‌المللی" که مقصود از آن در معنای درست، عبارت است از "کلیه معاملات واردات و صادرات، روابط مبادله، خرید، فروش، حمل و نقل، عملیات مالی بین کشورها" و حتی گاهی اوقات "روابط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی بین دولت‌ها و بین اتباعشان".

[ترجمه انگلیسی توسط دفتر دیوان از مرجع زیر]

Dictionnaire de la terminologie du droit international (Produced under the authority of president Basdevant) sirey, 1960, P. 126.)

بنابراین، اعم از اینکه واژه "تجارت" به مفهوم متعارف یا به معنای حقوقی‌اش، در سطح داخلی یا بین‌المللی آن در عهدنامه بکار رفته باشد، معنایی وسیع‌تر از آن دارد که به صرف خرید و فروش

ارجاع نماید.

۴۶- عهدنامه‌هایی که به تجارت و بازرگانی می‌پردازند شامل طیف وسیعی از موضوعات وابسته و جنبی تجارت و بازرگانی نیز می‌شوند، مانند کشتیرانی، ترانزیت کالا و اشخاص، حق تاسیس و راه‌اندازی مشاغل، حمایت در برابر مزاحمت‌ها، آزادی ارتباطات، تحصیل و مالکیت اموال [غیرمنقول]. بعلاوه، در گزارش دبیرکل سازمان ملل به نام "توسعه رو به رشد حقوقی تجارت بین‌الملل" در بین مقولاتی که در حوزه حقوق تجارت بین‌الملل می‌گنجد، اداره و انجام فعالیت‌های شغلی که خاص تجارت بین‌المللی است، بیمه، حمل و نقل و سایر موضوعات را نیز ذکر نموده است. (U.N. official Records of General Assembly / 21 / st. Session, Annexes, Agenda item 88, doc. A/6396; also in basic Documents on International Trade Law, Chi_jui Cheng (ed) 2 nd. ed, P.3).

دیوان توجه می‌کند که عهدنامه مودت ۱۹۵۵، در مواد عمومی‌اش، به موضوعات گوناگون وسیعی پرداخته که نسبت به تجارت و بازرگانی جنبی و وابسته می‌باشند.

۴۷- همچنین باید توجه کرد که در عنوان متن اصلی انگلیسی عهدنامه مودت ۱۹۵۵ - برخلاف بسیاری از عهدنامه‌های مشابه که آمریکا در آن زمان منعقد نموده مانند عهدنامه ۱۹۵۶ بین آمریکا و نیکاراگوئه، علاوه بر "مودت" و "حقوق کنسولی"، به "تجارت" اشاره‌ای نشده بلکه عنوان وسیع‌تر "روابط اقتصادی" ذکر شده است.

۴۸- دیوان، مضافاً خاطر نشان می‌کند که در تصمیم متخذه در پرونده "اسکار چین" (گزارش آراء دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری، سری A/B، شماره ۶۳، ص ۶۵) دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری فرصتی یافت که به مفهوم آزادی تجارت موضوع ماده ۱ کنوانسیون سن ژرمن بپردازد. دعوی‌ایی که نزد آن دیوان مطرح بود ناشی از اقداماتی بود که دولت بلژیک در مورد رفت و آمد رودخانه‌ای که در گذرگاه آبی کنگو بود اتخاذ کرده بود. دیوان دائمی نظر داد:

"آزادی تجارت که به موجب کنوانسیون [سن ژرمن] مقرر شده، عبارت است از حقی علی‌الاصول غیرمحدود برای اشتغال به هر نوع فعالیت تجاری، اعم از اینکه مربوط به بازرگانی که معنای صحیح آن است، باشد یعنی خرید و فروش کالا، و اعم از اینکه مربوط به صنعت باشد، و بویژه کار حمل و نقل و

مألاً اعم از اینکه در داخل کشور انجام شود یا از طریق مبادلات واردات و صادرات با سایر کشورها صورت پذیرد. (همان مرجع، ص ۸۴).

بدین ترتیب، عبارت "آزادی تجارت" در نظر دیوان دائمی چنین فهمیده شده که نه تنها مشتمل بر خرید و فروش کالا است بلکه متضمن صنعت و بویژه حمل و نقل می‌باشد.

۴۹- دیوان از مجموع مباحث فوق استنتاج می‌کند که تفسیر طبیعی واژه "تجارت" مذکور در ماده ۱۰ (بند ۱) عهدنامه مودت ۱۹۵۵ آن است که شامل فعالیتهای تجاری به نحو اطلاق و نه صرفاً عمل مستقیم خرید و فروش - نیز فعالیتهای وابسته و جنبی که جزء ذاتی تجارت است، می‌شود.

۵۰- دیوان، بهر حال نباید این نکته را نادیده بگذارد که ماده ۱۰ (بند ۱) عهدنامه مودت، در بیانی دقیق ناظر به حمایت از "تجارت" نیست بلکه حمایت از "آزادی تجارت" را مقرر نموده است. به موجب این ماده، هر عملی که این "آزادی" را متعذر و ممتنع سازد، ممنوع است.

این احتمال باید ملحوظ باشد که چه بسا این "آزادی تجارت" بواسطه اعمالی که متضمن از بین بردن و انهدام کالائی است که قرار است صادر شود، یا اعمالی که بالقوه مستعد اثرگذاری بر حمل کالا یا نگهداری آنها در انبار به قصد صادرات باشد، نیز عملاً متعذر و با مانع مواجه گردد، مگر اینکه "آزادی تجارت" در معنای فرضی و خیالی آن مورد نظر بوده باشد.

دیوان در این خصوص خاطر نشان می‌کند که نفتی که از سکوه‌های مورد حمله در اکتبر ۱۹۸۷ استخراج می‌شده، از آنجا به کمک لوله‌هایی که از زیر دریا می‌گذشته به پایگاه نفتی در جزیره لاوان می‌رسیده و نیز نفت مجموعه سلمان که هدف حمله آوریل ۱۹۸۸ بوده نیز، از طریق خطوط لوله زیر دریائی به همان پایگاه نفتی لاوان متصل بوده است.

۵۱- دیوان توجه می‌کند که تولید نفت ایران که بخش حیاتی اقتصادی آن کشور است، عنصر مهمی از تجارت خارجی آن را تشکیل می‌دهد.

بر اساس آنچه در حال حاضر نزد دیوان است، دیوان واقعاً قادر نیست تعیین کند که آیا انهدام سکوه‌های نفتی ایران بر صادرات نفت ایران اثر گذاشته یا نه، و تا چه حد؛ معذک خاطر نشان می‌سازد که انهدام این سکوها بالقوه می‌توانسته و چنین آثاری را در پی داشته باشد و از این رو واجد آثار سوئی بر آزادی تجارت به نحوی که بموجب ماده ۱۰ (بند ۱) عهدنامه مودت تعیین مقرر شده،

بوده است. در نتیجه، مسأله مشروعیت و قانونی بودن عمل آمریکا در انهدام سکوها از حیث ماده ۱۰ (بند ۱) مذکور نیز قابل ارزیابی و رسیدگی در دیوان می باشد. علیهذا اعتراضات و استدلالاتی که ایالات متحده در این زمینه بعمل آورده، باید مردود اعلام شود.

۲۱. نتیجه‌گیری که دیوان به شرح فوق در مورد ماده ۱۰ (بند ۱) عهدنامه مودت به آن دست یافته، بواسطه طبع و ماهیت عهدنامه مذکور که این ماده قسمتی از آن است، نیز تأیید می‌شود. ماده ۱ این عهدنامه، چنانکه پیش از این اشاره شد، با چنان عبارات وسیعی تنظیم و تحریر شده که فی‌نفسه نمی‌تواند موجد حق و تکلیفی باشد. اما، این بدان معنی نیست که ماده مذکور برای تفسیر سایر مواد عهدنامه نمی‌تواند بکار گرفته شود. دیوان نمی‌تواند بر این واقعیت چشم ببندد که ماده ۱ با لسانی عام مقرر نموده بین دولتین صلح و دوستی صمیمانه پایدار و استواری برقرار خواهد بود. مفاد و هدف این ماده به کل عهدنامه روح و معنی می‌بخشد، و در موارد تردید، دیوان را به تفسیری متمایل می‌کند که با این هدف کلی همسو و هماهنگ باشد، یعنی دست یافتن به روابط دوستانه در چارچوب طیف کاملی از اقدامات و فعالیت‌هایی که موضوع عهدنامه است.

* * *

۲۲. در پرتو مباحث فوق، دیوان نتیجه می‌گیرد که بین طرفین اختلافی در مورد تفسیر و اجرای ماده ۱۰ (بند ۱) عهدنامه مودت ۱۹۵۵ وجود دارد؛ این اختلاف در قلمرو ماده ۲۱ (بند ۲) عهدنامه در مورد شرط صلاحیت اجباری دیوان قرار می‌گیرد و نتیجتاً دیوان صلاحیت رسیدگی به این اختلاف را دارد.

۲۳. چون باتوجه به مراتب، دیوان باید ایرادات مقدماتی ایالات متحده را رد کند، لذا درخواست ایران، که به صورت خواسته فرعی مطرح شده، مبنی بر اینکه اعلام شود باتوجه به اوضاع و احوال پرونده حاضر ایرادات آمریکا فاقد خصلتی منحصرأ مقدماتی است، موضوعیت خود را از دست می‌دهد.

۲۴. بنا به ادله فوق، دیوان :

۱) با ۱۴ رای در برابر ۲ رای، ایراد مقدماتی ایالات متحده آمریکا را مبنی بر اینکه عهدنامه مودت

۱۹۵۵ فاقد هرگونه مبنای صلاحیتی برای دیوان است، رد می‌کند.

قضات موافق :

بجاوی (رئیس)، گیوم، شهاب‌الدین ، ویرامانتری ، رانجوا، هرزگ ،
فلش هاور، کوروما ، ورشتین ، فراری براوو ، هیگنیز ، پارا-آنگورن ،
ریگو(قاضی اختصاصی ایران)

قضات مخالف :

شعیبل (نائب رئیس) ، اودا

(۲) با ۱۴ رای در برابر ۲ رای، نظر می‌دهد که مطابق ماده ۲۱ (بند ۲) عهدنامه مودت ۱۹۵۵ صلاحیت دارد به ادعاهای جمهوری اسلامی ایران مطروحه تحت ماده ۱۰ (بند ۱) آن عهدنامه رسیدگی نماید.

قضات موافق :

بجاوی (رئیس) ، گیوم ، شهاب‌الدین ، ویرامانتری ،
رانجوا ، هرزگ ، فلش هاور، کوروما ، ورشتین ، فراری براوو ،
هیگنیز، پارا- آرانگورن ، ریگو (قاضی اختصاصی ایران)

قضات مخالف :

شعیبل (نایب رئیس) ، اودا

صادر شد، به زبان فرانسه و انگلیسی که متن فرانسه اصلی است، در کاخ صلح لاهه بتاريخ امروز دوازدهم دسامبر ۱۹۹۶ و در سه نسخه که یک نسخه در آرشیو دیوان تودیع و دو نسخه دیگر به دولتین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا تسلیم گردید.

محمد بجاوی (رئیس)

ادورادو - والنسیا اوسپینا (مدیر دفتر)

آقایان قضات : شهاب‌الدین ، رانجوا، هیگنیز ، پارا- آرانگورن و نیز ریگو قاضی اختصاصی ایران، نظرات جداگانه به این حکم الحاق نموده‌اند.
نایب رئیس شعیبل و قاضی اوردو نظر مخالف خود را به این حکم ضمیمه کرده‌اند.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی